

## "شما هر کسی را به هر دلیلی می توانید بازداشت کنید" ایران سرکوب فعالان مستقل را گسترش می دهد

1. خلاصه و توصیه ها ..... 1
- توصیه های کلیدی به دولت ایران ..... 2
- توصیه به دولت ایالات متحده ..... 3
2. متدلوژی (شیوه تحقیق) ..... 4
3. فضای حقوقی ..... 5
- ابزارهای قانونی ایران و حقوق بین الملل ..... 5
- ممنوعیتهای آزادی بیان، تجمع و تشکل ..... 5
- محدودیت حقوق بازداشت شدگان ..... 8
- اداره بازداشتگاه ها ..... 14
4. اهداف سرکوبهای فزاینده ..... 18
- جنبش زنان ..... 18
- تظاهرات 12 ژوئن 2006 و تبعات آن ..... 19
- فعالان کارگری و اتحادیه ها ..... 22
- منصور اسانلو ..... 22
- اعتراض مارس 2007 معلمان ..... 24
- دانشجویان ..... 25
- روزنامه نگاران، پژوهشگران و فعالان مستقل ..... 28
- آیت الله کاظمی بروجردی ..... 28
- علی فرحبخش، هاله اسفندیاری و کیان تاجبخش ..... 28
5. بدرفتاری با فعالان بازداشتی در بند 209 اوین ..... 33
- بدرفتاری در حین بازجویی ..... 33
- حبس انفرادی ..... 35
6. سوء استفاده از تشدید تنش های ایران و آمریکا ..... 38

7. توصیه ها ..... 40

سپاسگزارى ..... 42

## 1. خلاصه و توصیه ها

دامنه افرادی که در ایران با استناد به مسائل امنیتی و به خاطر فعالیت های سیاسی و اعتراض های مسالمت آمیز علیه دولت دستگیر می شوند، رو به گسترش است. افراد دستگیر شده اغلب در بازداشتگاه هایی که اداره آنها بیرون از چهارچوب زندانهای معمولی است، نگهداری می شوند. مخوفترین این بازداشتگاه ها بند 209 زندان اوین تهران است که در آن افراد دستگیر شده ممکن است تحت شکنجه و یا بازجویی های آزار دهنده قرار گیرند. مسئولین پس از هفته ها و یا ماهها افراد بازداشت شده را با قرار وثیقه یا حبس های تعلیقی آزاد می کنند و به این ترتیب آنها را تهدید می کنند که ادامه فعالیت های گذشته و یا اعتراض های علنی ممکن است منجر به بازگشت آنها به زندان شود.

سرکوب اعتراضات مسالمت آمیز خصیصه ویژه همه دولت ها در جمهوری اسلامی ایران بوده است. در هنگام آغاز ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد در اوت 2005 حکومت ایران از اختیارات قانونی زیادی برای پیگیری منتقدین دولت برخوردار بود. اما بنظر می رسد آنچه دولت احمدی نژاد را از سایرین متمایز می کند، بسط فراوان دامنه فعالیت ها و تعداد افرادی است که مشمول پیگردهای حکومتی می شوند.

در اوت سال 2005 مامورین امنیتی ایران حداقل 35 عضو جنبش زنان ایران را در بند 209 اوین بازداشت کردند. آنها همچنین معلمینی که خواستار افزایش حقوق و مزایای بازنشستگی بودند، دانشجویان و فعالانی که خواهان اصلاحات سیاسی بودند و نیز روزنامه نگاران و محققینی که سابقه هیچ نوع فعالیت سیاسی نداشتند را دستگیر کردند. در اکثر این موارد، بازداشت شدگان همه و یا بخشی از دوران حبس خود را در سلولهای انفرادی (گاه تا ماهها) گذارند، از دسترسی به وکیل یا دیدار با خانواده هایشان محروم بودند و برای اعترافهای حقیقی و یا غیر حقیقی زیر فشارهای شدید روانی و جسمی قرار داشتند.

مجموعه ای از قوانین که در چهارچوب قانون مجازات اسلامی تحت عنوان "جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور" ("قوانین امنیتی") هستند به حکومت اختیارات وسیعی برای سرکوب هر نوع فعالیت مسالمت آمیزی را می دهد که به نحوی انتقاد از سیاست هایش می داند. قوانین ایران همچنین امکان سلب حق دادرسی به بازداشتی های امنیتی را می دهد. گرچه قانون اساسی ایران، قانون آیین دادرسی کیفری، و قانون حقوق شهروندی شامل مفادی در زمینه حقوق بازداشت شدگان و نیز شیوه های بازجویی است، اما قوانین ایران امکان محرومیت از بعضی از این حقوق و عدم اجرای مفاد مندرج در آنها را نیز می دهد. مقام های ایران بیش از هر زمان دیگری در تاریخ معاصر این کشور از قوانین امنیتی بعنوان بهانه ای برای دستگیری و بازداشت های سیاسی بهره برده اند. در اغلب موارد هیچ حکم و یا مبنای قانونی برای دستگیری ها وجود ندارد. مسئولین بازداشت شدگان را بدون حضور وکیل و صرفا به منظور یافتن راهی برای متهم کردن آنها تحت بازجویی قرار می دهند. این گزارش با مروری بر روند دادرسی تحت قانون آیین دادرسی کیفری و نیز مقررات مربوط به مسائل امنیتی که این حقوق را تا حد زیادی تضعیف کرده، آغاز می شود.

یکی دیگر از خصایص بارز دستگیری های سیاسی در دولت احمدی نژاد این است که به جای تمرکز به اقدامات فردی توجه زیادی به ارتباط افراد با نهادها، اشخاص و منابع مالی خارجی معطوف شده است. دولت همواره از قوانین امنیتی که حاوی مفاهیم وسیعی است، بهره می گیرد و هر کس اعم از فعالین حقوق زنان، سازماندهندگان اتحادیه ها و رهبران دانشجویی متهم به "جاسوسی"، "اقدام علیه امنیت ملی"، "دریافت پول از خارج" و "برنامه ریزی برای انقلاب نرم" می کند. حکومت ایران از سیاست اخیر ایالات متحده که طی آن بودجه ای برای "تغییر رژیم" در ایران اختصاص داده به عنوان بهانه ای برای متهم کردن فعالان جامعه مدنی ایران به همکاری با کشورهای خارجی استفاده کرده است. فعالان سرشناس ایران خاطر نشان کرده اند که حکومت ایران از اختصاص این بودجه برای تشدید سرکوب جامعه مدنی بهره برداری کرده است.

دیده بان حقوق بشر از حکومت ایران می خواهد که قوانین مبهم امنیتی و نیز سایر قوانینی که امکان سرکوب خودسرانه و تنبیه افراد را به خاطر ابراز مسالمت آمیز نظرات سیاسی خود و یا تشکیل انجمن و برگزاری تشکلهای می دهد را اصلاح و یا لغو کند. این اقدامات ایران ناقض پیمانهای بین المللی حقوق بشر است که این کشور عضو و امضاکننده آنهاست. دیده بان حقوق بشر همچنین از دولت ایران می خواهد با بازداشت شدگان مطابق معیارهای بین المللی رفتار کند و بند 209 زندان اوین را یا در چهارچوب سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور اداره کند و یا آن را تعطیل نماید.

دیده بان حقوق بشر همچنین از دولت آمریکا می خواهد با گروه های جامعه مدنی ایران برای حمایت از پروژه هایی که به اعتقاد آنها دستاویز آسانی به حکومت ایران برای سرکوب فعالیتهايشان نمی دهد ارتباط برقرار کند.

## توصیه های کلیدی به دولت ایران

مشروح توصیه ها به دولت ایران در بخش هفتم آمده است.

- کلیه افرادی که بدلیل استفاده مسالمت آمیز از حق آزادی بیان، تجمع و تشکل دستگیر شده اند آزاد شوند.
- مقام های رده های مختلف وزارت اطلاعات ایران را که مسئول بدرفتاری با بازداشت شدگان بند 209 زندان اوین هستند تنبیه شوند و یا تحت پیگرد قانونی قرار گیرند. بند 209 زندان اوین تحت نظارت سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور قرار گیرد و یا به سرعت بسته شود.
- "جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور" ("قوانین امنیتی") به گونه ای اصلاح شود که هم "امنیت ملی" را تعریف کند و هم نقض آن را بطور مشخص چنان تعریف کند که شامل حقوق آزادی بیان، تجمع و تشکل که توسط معاهدات بین المللی تضمین شده نشود (مفاد قوانین امنیتی نیازمند توجهات ویژه ای است که در "توصیه ها" در بخش 7 آمده است).
- قوانینی که "اهانت" به چهره های دینی و رهبران حکومت را جرم تلقی می کند از قانون مجازات اسلامی بیرون آورده شود.

- مفاد قانون آیین دادرسی کیفری که امکان لغو حق داشتن وکیل را در تحقیقات مرحله بازداشت پیش از دادگاه می دهد، تغییر داده شود. حکومت باید حق ملاقات بازداشت شدگان امنیتی را با وکیل قانونی که خود انتخاب کرده اند در طول دوران بازداشت و محاکمه تضمین کند.

### **توصیه به دولت ایالات متحده**

- با گروه های جامعه مدنی ایران برای حمایت از پروژه هایی که به اعتقاد آنها دستاویز آسانی به حکومت ایران برای سرکوب فعالیت‌هایشان نمی دهد ارتباط برقرار کند.

## 2. متدلوژی (شیوه تحقیق)

حکومت ایران به سازمان های غیردولتی نظیر دیده بان حقوق بشر اجازه نمی دهد برای تحقیقات آزادانه در زمینه نقض حقوق بشر وارد این کشور شود. علاوه بر این، بسیاری از فعالان در داخل ایران آسایش خاطر نمی دارند تا بتوانند در زمینه وضعیت حقوق بشر مکالمات تلفنی طولانی داشته باشند و یا از ایمیل استفاده کنند. همانطور که در این گزارش بطور مستند آمده، حکومت ایران اغلب منتقدان خود را متهم می کند که عامل کشور های خارجی هستند. بسیاری از فعالان به دیده بان حقوق بشر گفته اند که از کنترل تماس های تلفنی و یا ایمیل های خود توسط حکومت در هر اسند.

دیده بان حقوق بشر در این گزارش با بازداشت شدگان سابق بند 209 اوین از جمله فعالان دانشجویی، حقوق زنان و نیز روزنامه نگاران مصاحبه کرده است. دیده بان حقوق بشر همچنین با خانواده های بازداشت شدگان سابق بند 209 اوین گفتگو کرده است. علاوه بر این، دیده بان حقوق بشر با کارشناسان قوانین و سیاست ایران که برخی از آنها خود نیز پیش تر در بند 209 اوین در بازداشت بودند، مصاحبه کرده است.

دیده بان حقوق بشر به استثنای سه مصاحبه که از طریق تلفن و اینترنت انجام داده، برای بقیه از سرویس های پیام رسانی آنلاین استفاده کرده است. دیده بان حقوق بشر با برخی از فعالان و وکلای حقوق بشر در ایران همکاری نزدیکی دارد. این افراد اطلاعات لازم برای انجام این گزارش را در اختیار دیده بان حقوق بشر قرار داده و به یافتن اشخاصی که مورد مصاحبه قرار گرفته اند، کمک کرده اند. دیده بان حقوق بشر همچنین با فعالان دانشجویی، حقوق زنان و روزنامه نگارانی که هم اکنون در آمریکا و کانادا هستند، بطور حضوری، تلفنی و یا ایمیلی مصاحبه کرده است.

دیده بان حقوق بشر از ذکر اسامی و محل زندگی همه مصاحبه شوندهانی که در ایران هستند و برخی از کسانی که در خارج از ایران بسر می برند، بدلیل عواقبی که ممکن است برای آنها و یا خانواده هایشان در پی داشته باشد، خودداری کرده است.

دیده بان حقوق بشر در روز 22 دسامبر 2007 طی نامه ای به رئیس قوه قضائیه آیت الله شاهرودی و وزیر دادگستری غلامحسین الهام سؤالاتی را پیرامون نتایج تحقیقاتمان مطرح کرده اما تا تاریخ 4 ژانویه 2008 هیچ گونه پاسخی دریافت نشده است.

### 3. فضای حقوقی

#### ابزارهای قانونی ایران و حقوق بین الملل

#### ممنوعیتهای آزادی بیان، تجمع و تشکل

ابزار اصلی حکومت در خاموش کردن نارضایتی ها مجموعه ای از قوانینی است که در چهارچوب قانون مجازات اسلامی و تحت عنوان " جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور " ("قوانین امنیتی") قرار دارند.<sup>1</sup> این قوانین امنیتی آنچنان وسیع تبیین شده اند که به حکومت امکان این را می دهد که فعالیت های مسالمت آمیز و نیز آزادی بیان را تحت پوشش قانونی حفاظت از امنیت ملی مورد مجازات قرار دهد. موارد مندرج در این قوانین از سال 1996 شامل جرایم امنیتی شده و دولت از آنها برای دستگیری افرادی که منتقد تشخیص می دهد استفاده کرده است. برای نمونه در سال 1999 و بدنبال تظاهرات دانشجویی که مورد سرکوب شدید حکومت قرار گرفت، قوه قضائیه از این قوانین استفاده کرد و منوچهر محمدی، غلامرضا مهاجری نژاد، رحیم رضایی و ملوس رادنی را متهم به "اغتشاش" و "دریافت پول از آمریکا کرد."<sup>2</sup>

مفاد قوانین امنیتی اشکال گوناگون سخنرانی، اجتماعات و اظهار نظر را ممنوع می کند و به دولت اجازه می دهد این اعمال را بطور خودسرانه مورد قضاوت قرار دهد و آنها را "بر علیه" ملت و یا امنیت ملی تشخیص دهد.

ماده 498 قوانین امنیتی تشکیل هر نوع گروهی با هدف " بر هم زدن امنیت ملی" را جرم تلقی می کند.<sup>3</sup> ماده 500 هر فردی که " بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمانهای مخالف نظام به هر نحوی تبلیغ کند" را محکوم به سه ماه تا یکسال زندان می کند. ماده 610 هر نوع "تجمع و یا توطئه علیه امنیت داخلی و خارجی ملت یا کمک به ارتکاب آن" را جرم دانسته و افراد خاطی را به دو تا پنج سال زندان محکوم می کند.<sup>4</sup> ماده 618 "بر هم زدن نظم و آسایش عمومی و ویا ممانعت مردم از کار" را جرم می داند.<sup>5</sup> همانطور که یک فعال و دانشجوی حقوق در ایران به دیده بان حقوق بشر گفت "این مواد امنیتی چنان کلی هستند که شما می توانید هر کسی را به هر دلیلی بازداشت کنید و او را به زندان محکوم کنید."<sup>6</sup>

حکومت به سایر مفاد قانون مجازات اسلامی نظیر ماده 513 و ماده 514 برای خاموش کردن کسانی که منتقد می داند، اتکا می کند. ماده 513 قانون مجازات اسلامی هر نوع "توهین" به هر یک "مقدسات اسلامی" یا چهره های

<sup>1</sup> قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب 9 مه 1996.

<sup>2</sup> "ایران تهدید به محاکمه در دادگاه های انقلاب برای "اغتشاش" می کند"، دیده بان حقوق بشر، 3 اوت 1999، <http://hrw.org/english/docs/1999/08/03/iran1021.htm>

<sup>3</sup> قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب 9 مه، ماده 498.

<sup>4</sup> همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب 9 مه، ماده 610.

<sup>5</sup> همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب 9 مه، ماده 618.

<sup>6</sup> تماس اینترنتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال دانشجویی (نام محفوظ)، 13 اوت 2007.

مقدس در اسلام را جرم می‌داند. ماده 514 نیز هر نوع "توهین" به اولین رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله خمینی و یا رهبر کنونی را جرم تلقی می‌کند. هیچ یک از این دو ماده تعریفی از "توهین" ارائه نمی‌کند.<sup>7</sup>

قانون اساسی ایران حاوی حمایت‌های چندانی در مقابل چنین قوانین کیفری مبهمی نیست. گرچه این قانون اساسی شامل حقوق اولیه نظیر آزادی بیان، اجتماعات و انجمن‌ها می‌باشد، اما همه آنها مشمول استثناهایی می‌شوند که بطور وسیعی تعریف شده‌اند. اصل 24 قانون اساسی آزادی مطبوعات و نشریات را تضمین می‌کند "به جز هنگامیکه مخل اصول بنیادین اسلامی و یا حقوق عمومی شود. جزئیات این استثنا در قانون مشخص خواهد شد."<sup>8</sup> اصل 26 آزادی انجمن‌ها را تضمین می‌کند به جز مواردی که "ناقص اصول استقلال، آزادی و اتحاد ملی و معیارهای اسلامی بنیاد جمهوری اسلامی شود."<sup>9</sup> اصل 27 تضمین‌کننده حق تجمع‌های مسالمت‌آمیز است به جز مواردی که "مخل اصول بنیادین اسلام" تشخیص داده شود.<sup>10</sup>

حق آزادی بیان، اجتماعات و انجمن‌ها که در قوانین بین‌المللی حقوق بشر لحاظ شده، ممکن است مرزهای تعریف شده محدودی داشته باشد. اما استثناهای وسیع مندرج در قانون اساسی ایران، قوانین امنیتی و قانون مجازات اسلامی بطور کلی تری به حکومت اجازه می‌دهد این حقوق را ورای محدودیت‌هایی که قوانین بین‌المللی تعیین کرده، سرکوب کند.

ایران بعنوان کشوری که از سال 1975 عضو کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) است، موظف به پیروی از آن است. ماده 21 این کنوانسیون حق آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیز را تضمین می‌کند.<sup>11</sup> این ماده مشخصاً تأکید می‌کند "هیچ محدودیتی نباید شامل این حق شود مگر آنکه در راستای قانون باشد، در یک جامعه دموکراتیک لازم باشد و در جهت منافع ملی، امنیت عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و روحیه عمومی و نیز حفاظت از حقوق و آزادی سایرین باشد."

حق آزادی انجمن‌ها نیز در حقوق بین‌الملل بطور کامل روشن و تثبیت شده است. حق آزادی انجمن‌ها شاید شامل محدودیت‌هایی بشود، اما تنها در موارد از پیش تعیین شده و تحت شرایط خاص. بر اساس ماده 22 کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR):

1- هر فردی دارای حق آزادی تشکیل با سایرین است که این شامل تاسیس و یا پیوستن به اتحادیه‌های تجاری برای تأمین منافع وی می‌شود،

<sup>7</sup> همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب 9 مه، مواد 513 و 514.

<sup>8</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب 24 اکتبر 1979، اصلاح شده در 28 ژوئیه 1989، اصل 24.

<sup>9</sup> همان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب 24 اکتبر 1979، اصلاح شده در 28 ژوئیه 1989، اصل 26.

<sup>10</sup> همان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب 24 اکتبر 1979، اصلاح شده در 28 ژوئیه 1989، اصل 27.

<sup>11</sup> کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب 16 دسامبر 1966، قطعنامه 2200 الف (21) مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سند شماره الف/6316 (1966)، در 23 مارس 1976 به اجرا گذارده شد. ایران در سال 1975 آن را تصویب کرد.



2- هیچ محدودیتی نباید بر این حق اعمال شود مگر آنکه در قانون مقرر شود و برای یک جامعه دموکراتیک لازم باشد و در جهت منافع ملی، امنیت عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و روحیه عمومی و نیز حفاظت از حقوق و آزادی سایرین باشد.<sup>12</sup>

همانطور که پروفیسور مانفرد نواک در تحلیل خود از کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی خاطر نشان می کند شروط ماده 22 (2) باید بطور محدودی تفسیر شوند. برای نمونه عباراتی نظیر "امنیت ملی" و "امنیت عمومی" اشاره به شرایطی دارد که در معرض تهدید فوری و خشونت آمیزی قرار دارد. شرایط "ضروری" باید متناسب باشد: یعنی اینکه با دلایل مشخصی که برای این شرایط مطرح می شود، توازن داشته باشد.<sup>13</sup>

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد که سازمان کارشناسی و بین المللی ویژه نظارت بر پیروی دولت ها از کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است، همواره بر اهمیت این تناسب تاکید کرده است. بر اساس قوانین بین المللی محدودیها و شرایط "ضروری" در زمینه آزادی تجمع ها و تشکل ها باید تناسب داشته باشد: یعنی اینکه با دلایل مشخصی که برای این شرایط مطرح می شود، توازن داشته باشد.<sup>14</sup>

همانطور موارد مستند در این گزارش نشان می دهد معیارهای حکومت ایران در لغو رد حق آزادی اجتماعات و انجمن ها نه متناسب است و نه محدود. بنظر می رسد که این حکومت هر نوع تجمعی که ناقد سیاست هایش باشد را تهدیدی علیه امنیتی ملی و عمومی تلقی می کند.

به همین نحو، حکومت ایران از قوانین امنیتی و نیز سایر بندهای قانون مجازات اسلامی استفاده می کند و هر نوع سخنی که "مقدسات اسلامی" و رهبر این کشور را مورد "توهین" قرار دهد، جرم تلقی می کند و همچنین آزادی بیان را ورای استثناهای مندرج در حقوق بین الملل محدود می کند. ماده نوزدهم کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بر حق داشتن و بیان عقیده و همچنین دسترسی به اطلاعات و نیز شرایط محدود کننده این حقوق صحه می گذارد:

- 1- هر کسی باید بدون هیچ نوع دخالتی حق اظهار نظر و عقیده خود را داشته باشد.
- 2- هر کسی باید حق آزادی عقیده را داشته باشد. این حق باید آزادی برای جستجو، دریافت و نیز ارائه هر نوع اطلاعات و نظرات چه شفاهی، چه نوشتاری و چه چاپی را توسط هر نوع رسانه ای که بخواهد داشته باشد.
- 3- استفاده از حقوق مندرج در پاراگراف دوم این ماده در بردارنده وظایف و مسئولیت های ویژه ای است. بنابراین این حقوق می تواند مشمول برخی قیود و شرایط شود. اما این باید توسط قانون روشن شود و ضروری تشخیص داشته شود.

<sup>12</sup> همان، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 22.

<sup>13</sup> مانفرد نواک، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد، ناشر ان پی انجل، 1993، ص 386 و 387.

<sup>14</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، برای نمونه نگاه کنید به: ولادیمیر پتروویچ لاپتسویچ در مقابل روسیه سفید. ارتباطات 1997/780 کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد. همچنین نگاه کنید به: ریچارد فرایز "فضای حقوق جامعه مدنی"، سالنامه 2003 جامعه مدنی جهانی، فصل نهم، مرکز مطالعه حکومتداری جهانی، مدرسه مطالعات اقتصادی لندن، 2003.

الف- به منظور احترام به حقوق و آبروی دیگران باشد.

ب- به منظور صیانت از امنیت ملی و نظم عمومی یا سلامت و روحیه عمومی باشد.

مشابه شرایط و محدودیت هایی که حکومت ایران بر آزادی اجتماعات اعمال می کند، انتقاد از سیاست های کنونی این کشور نیز جزء اظهار نظرهایی تلقی می شود که برای امنیت ملی خطرناک است.<sup>15</sup>

ممنوعیت "اهانت" به رهبر و اعمال مجازات های سنگین برای چنین مواردی مانع از هر گونه ارزیابی انتقادآمیز از رهبر یعنی مهمترین و قدرتمندترین جایگاه در حکومت ایران می شود.<sup>16</sup> در غیاب تعریف "اهانت"، این ماده و نیز ماده جرم بودن "اهانت" به "مقدسات اسلامی" می تواند بطور گسترده ای شامل انتقاد از سیاست های کنونی ایران شود.<sup>17</sup>

### محدودیت حقوق بازداشت شدگان

حکومت ایران همچنین از برخی متمم های امنیتی برای محروم کردن بازداشت شدگان از حقوقشان استفاده می کند. این حقوق که قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری بر آنها صحه می گذارد، مربوط به دوران دستگیری، بازجویی و حبس است. قانونی اساسی ایران و قانون آیین دادرسی کیفری برای دادگاه های عمومی و نیز دادگاه های انقلاب حقوق بازداشت شدگان و همچنین حدود اقدامات مجاز در دوران دستگیری، بازجویی و حبس را تعیین کرده است. (دادگاه های انقلاب در سال 1979 تاسیس شدند. حیطه قضایی این دادگاه ها جرائمی نظیر اقدام علیه امنیت ملی، افترا به بنیانگذار جمهوری اسلامی و رهبر کنونی و نیز قاچاق مواد مخدر است).<sup>18</sup>

### حبس های بدون اتهام

اصل 32 قانون اساسی ایران تاکید می کند "هر گونه اتهامی باید همراه با دلایل متهم شدن بدون تاخیر و بطور کتبی به فرد متهم اعلام و تبیین شود و پرونده موقتی نیز حداکثر طی 24 ساعت به مقام های قضایی ذیصلاح ارسال شود."<sup>19</sup> مطابق ماده 24 قانون آیین دادرسی کیفری مقام های مسئول باید در مواردی که "بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد"، طی 24 ساعت بطور کتبی دلیل بازداشت آنها را اعلام کنند.<sup>20</sup> بر اساس قوانین ایران دستگیری فرد پیش از محاکمه، نیاز به حکم قاضی دارد. علاوه بر این قاضی باید فرد بازداشت شده را طی 24 ساعت کتبا از اتهامش آگاه کند.<sup>21</sup> ماده 32 قانون آیین دادرسی کیفری تصریح می کند قاضی می تواند در هنگام نقض قوانین امنیتی اجازه دهد متهمین بیش از 24 ساعت در حبس بمانند.<sup>22</sup> ماده 33 این قانون به فرد

<sup>15</sup> همان، کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 19.

<sup>16</sup> قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب 9 مه، ماده 514.

<sup>17</sup> همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب 9 مه، مواد 513 و 514.

<sup>18</sup> وبسایت رسمی قوه قضائیه ایران، <http://judiciary.ir/courts-revolutionarycourts-fa.html> (تاریخ دسترسی 19 سپتامبر 2007).

<sup>19</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب 24 اکتبر 1979، اصلاح شده در 28 ژوئیه 1989، اصل 32.

<sup>20</sup> قانون مجازات اسلامی، ماده 24.

<sup>21</sup> همان، قانون مجازات اسلامی، ماده 24.

<sup>22</sup> قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و دادگاه های انقلاب، مصوب مجلس شورای اسلامی 19 سپتامبر 1999، ماده 32.

متهم این حق را می دهد که طی 10 روز خواستار تجدید نظر در دستور حبس خود شود.<sup>23</sup> ماده 33 از یک سو تصریح می کند پرونده بازداشت شدگان باید طی یک ماه تعیین تکلیف شود اما از طرف دیگر به قاضی اختیار تمدید دستور حبس های موقتی را می دهد.<sup>24</sup> این قوانین شامل هیچ محدودیتی برای تعداد دفعات تمدید این دستور ها نمی شود.<sup>25</sup>

قوانین بین المللی حقوق بشر تعداد دفعاتی را که قاضی قادر به تمدید حبس پیش از محاکمه است، مشخص نمی کند. بر اساس کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی "هر فرد دستگیر شده یا بازداشتی متهم به جرایم کیفری ... باید یا طی مدت زمان معقولی محاکمه شود و یا آزاد شود. افرادی که در انتظار محاکمه هستند نباید در حبس بمانند، اما آنها به منظور آزاد شدن باید تضمین کنند در محاکمه حاضر خواهند شد."<sup>26</sup> در بسیاری از مواردی مندرج در این گزارش، بازداشت شدگان در طی دوران تحقیقات پیش از محاکمه بدون تماس با دنیای خارج در حبس نگهداری شده اند. در همه مواردی که در این گزارش آمده، حکومت مانع از دسترسی دستگیر شدگان به وکیل شده و در برخی موارد به آنها اجازه نداده که با خانواده هایشان و سایر بازداشت شدگان ارتباط چندان و یا آنکه اساسا تماسی داشته باشند.

پلیس و مامورین امنیتی قوه قضائیه اغلب افراد تحت پیگرد را که مشکوک به نقض قوانین امنیتی هستند، برای هفته ها و ماهها بدون تفهیم اتهام در حبس های ویژه تحقیقات پیش از محاکمه نگه می دارد و به آنها اجازه نمی دهد برای به چالش طبیدن فرمان حبس خود در برابر قاضی حاضر شوند. بازداشت شدگانی که بدون تفهیم اتهام آزاد می شوند، اغلب نگرانند که برای آزار و اذیت مجددا دستگیر شوند. تعدادی از بازداشت شدگان سابق که برای این گزارش توسط دیده بان حقوق بشر مورد مصاحبه قرار گرفته اند اظهار داشته اند که این یکی از تاکتیک های حکومت برای ایجاد فضای رعب است تا فعالان هر لحظه نگران دستگیری مجدد خود باشند. به گفته این فعالان حکومت تعمداً این پرونده ها را باز نگه می دارد تا منتقدان خود را بترساند.

قوانین بین المللی حقوق بشر حبس های خودسرانه را ممنوع می کند.<sup>27</sup> دستگیری و یا حبس زمانی خودسرانه تلقی می شود که یا در چهارچوب قانون صورت نگیرد و یا آنکه قانون این نوع دستگیری افراد بدلیل استفاده از حقوق اولیه ای نظیر آزادی بیان، تجمع و تشکل را مجاز بداند.<sup>28</sup>

ماده نهم کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می کند: "هر فردی که به اتهام ارتکاب اقدامات جنایی دستگیر و یا بازداشت شود، باید به سرعت در برابر قاضی و یا هر مقام دیگری که مطابق قانون دارای

<sup>23</sup> قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و دادگاه های انقلاب، مصوب مجلس شورای اسلامی 19 سپتامبر 1999، ماده 33. همان.

<sup>25</sup> قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و دادگاه های انقلاب، مصوب مجلس شورای اسلامی 19 سپتامبر 1999.

<sup>26</sup> کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 9 (3).

<sup>27</sup> کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 9.

<sup>28</sup> بر اساس گروه کاری حبس های خودسرانه سازمان ملل متحد، محرومیت از آزادی زمانی خودسرانه است که ناقض اصول مندرج در بیانیه جهانی حقوق بشر و یا کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی باشد و یا هنگامیکه हजार های بین المللی حق محاکمه منصفانه مورد بی اعتنایی قرار گیرد و یا بطور ناقض اجرا شود. اساس گروه کاری حبس های خودسرانه سازمان ملل متحد:

[http://193.194.138.190/html/menu2/7/b/arb\\_det/ardintro.htm](http://193.194.138.190/html/menu2/7/b/arb_det/ardintro.htm)

اختیارات قضایی است حاضر شود و بتواند طی مدت زمان معقولی محاکمه شود و یا آزاد گردد.<sup>29</sup> به این ترتیب استثنای امنیتی مندرج در ماده 32 قانون آیین دادرسی کیفری و مواد متعاقب که تمدید حبس های موقتی را مجاز می کند، ناقض روند دادرسی است که کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین می کند.

### عدم دسترسی به وکیل

قوانین بین المللی حق داشتن وکیل را تضمین کرده است. گروه کاری حبس های خودسرانه سازمان ملل متحد در گزارش ژوئن سال 2003 نسبت به عدم دسترسی به وکیل در ایران ابراز نگرانی کرد.<sup>30</sup> اصل 35 قانون اساسی ایران حق داشتن وکیل را تضمین می کند.<sup>31</sup> اما قانون آیین دادرسی کیفری تا حد زیادی این حق را تضعیف می کند. ماده 128 قانون آیین دادرسی کیفری خاطر نشان می کند در مراحل تحقیقاتی یک پرونده که ممکن است تا یک ماه به طول انجامد (البته قاضی می تواند این مرحله از حبس را بطور نامحدودی تمدید کند) "در مواردی که موضوع جنبه سری دارد و یا قاضی معتقد است که حضور فرد دیگری به جز متهم ممکن است موجب فساد گردد" استفاده از وکیل می تواند رد شود.<sup>32</sup> این ماده همچنین می افزاید در مورد جرایم مربوط به امنیت ملی، "حضور وکیل در مراحل تحقیقاتی منوط به اجازه دادگاه است."<sup>33</sup> به گفته مهرانگیز کار کارشناس حقوقی ایران ماده 128 به قاضی قدرت مطلق برای سلب حق داشتن وکیل در طی مراحل تحقیقاتی و بازجویی را می دهد.<sup>34</sup>

حکومت ایران همچنین با برداشتن گام های قانونی اختیارات قضات در سلب حق داشتن وکیل را افزایش داده است. ماده 133 چهارمین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجلس حق داشتن وکیل را در همه مراحل محاکمه تایید کرده اما از طرف دیگر کلیه استثنایهایی که در ماده 128 آمده را لغت به لغت تکرار کرده است. این استنها شامل "مواردی می شود که جنبه سری دارد و قاضی تشخیص دهد حضور هر شخص دیگری در دادگاه موجب فساد می شود."<sup>35</sup>

قوه قضائیه و مامورین امنیتی پلیس همواره با استناد به این استنهاها بازداشت شدگان سیاسی که مظنون به نقض قوانین امنیتی هستند را از داشتن وکیل محروم می کنند. به این ترتیب نه فقط حکومت این بازداشت شدگان را بدون تفهیم اتهام برای ماهها بازجویی و حبس می کند، بلکه به آنها اجازه نمی دهد در این شرایط از نظارت، کمک و حمایت های یک وکیل بهره مند شوند. بدون داشتن یک وکیل و عدم مسئولیت پذیری که نبود چنین شخص ثالثی به همراه می آورد، تحقیقات اغلب شامل آزارهای جسمی و روانی بازداشت شدگان می شود.

<sup>29</sup> کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 9 (3).

<sup>30</sup> گزارش گروه کاری حبس های خودسرانه سازمان ملل متحد، بازدید از جمهوری اسلامی ایران، 2، E/CN.4/Sub.2/2003/3/Add.2، 27 ژوئن 2003.

<sup>31</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب 24 اکتبر 1979، اصلاح شده در 28 ژوئیه 1989، اصل 35.

<sup>32</sup> همان.

<sup>33</sup> همان.

<sup>34</sup> مهرانگیز کار، "وکلائی مدافع، فاقد حق دفاع"، 5 اوت 2005، (تاریخ دسترسی 3 اکتبر 2007).

<http://www.mehrangizkar.net/archives/000023.php>

<sup>35</sup> چهارمین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب مجلس 2 مه 2004، ماده 133.

بر اساس قوانین بین المللی دسترسی به وکیل باید بلافاصله پس از حبس امکان پذیر باشد.<sup>36</sup> کمیته حقوق بشر تصریح می کند حداکثر 48 ساعت می توان فرد را بدون وکیل در حبس نگهداشت.<sup>37</sup> استثناهایی که قوانین ایران برای محروم کردن از حق وکیل قائل می شوند در تناقض با معیارهای بین المللی هستند. ماده چهاردهم کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حق متهم را برای آماده کردن دفاعیه خود تضمین می کند.<sup>38</sup> ماده سیزدهم کمیته حقوق بشر تاکید می کند که در چهارچوب کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی،

فرد متهم باید زمان و امکانات کافی برای آماده کردن دفاعیاتش و نیز ارتباط با وکیل انتخابی خود را داشته باشد. ... این پاراگراف فرعی وکیل را ملزم می کند با فرد متهم در تماس باشد و محتوای این ارتباطات را محرمانه نگذارد. وکلا باید قادر باشند نمایندگی موکل خود را بر اساس معیارهای حرفه ای خود بر عهده داشته باشند و قضاوتشان تحت تاثیر قید و بند، نفوذ، فشار و یا دخالت هیچ فرد و گروهی نباشد.<sup>39</sup>

اصول بنیادین سازمان ملل متحد درباره نقش وکلا تصریح می کند: "کلید افراد دستگیر شده، بازداشتی و یا زندانی باید بدون تاخیر، ممانعت و سانسور بتوانند از زمان و امکان کافی برای ملاقات، تماس و مشاوره کاملاً محرمانه با وکیل خود برخوردار باشند. این مشاوره ها ممکن است در منظر مسئولین انتظامی صورت گیرد، اما نباید توسط آنها استماع شود."<sup>40</sup> قوانینی که به حکومت ایران اجازه می دهد بازداشتی های خاص را از داشتن وکیل محروم کند و عملاً شامل حال بازداشتی های امنیتی می شود، ناقض تعهدات این کشور در چهارچوب قوانین بین المللی است.

### حبس های بدون تماس با دنیای خارج

بازداشت شدگان اغلب برای دوره های طولانی در حبس های بدون تماس با دنیای خارج نگه می دارند. این گونه حبس ها ناقض حقوق مهم بازداشت شدگان است. این حقوق شامل تماس با خانواده و یا مشاوره حقوقی، حضور بی درنگ در برابر قاضی و نیز برخورد انسانی با فرد بازداشت شده است.<sup>41</sup> حبس های بدون تماس با دنیای خارج نگرانی از شکنجه و یا ناپدید شدن را افزایش می دهد. قانون سازمان ملل درباره حداقل معیارهای رفتار با زندانیان خاطر نشان می کند: "فرد زندانی که هنوز محاکمه نشده باید بتواند بلافاصله خانواده اش را از حبس خود مطلع کند

<sup>36</sup> برای نمونه نگاه کنید به کمیته حقوق بشر، نتایج کمیته حقوق بشر، گرجستان، CCPR/C/79/Add.75، 01/04/97، پاراگراف 27. موسسه سازمان ملل برای مراقبت از کلیه افراد محبوس و زندانی، اصل 17 (1). اصول بنیادین سازمان ملل متحد درباره نقش وکلا، اصل 1، مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد، "حقوق بشر و حبس های پیش از محاکمه"، ژوئن 1994، ص 21-23.

<sup>37</sup> کمیته حقوق بشر، نتایج کمیته حقوق بشر، اسرائیل، اسرئیل، CCPR/CO/78/ISR، 21/08/2003، پاراگراف 13.

<sup>38</sup> کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده (3) 14.

<sup>39</sup> سند سازمان ملل متحد، HRI?GEN/1/Rev.6 at 135 (2003)، پاراگراف 9.

<sup>40</sup> اصول بنیادین نقش وکلا، A/CONF.144/28/Rev.1 at 118، 1990، ماده 8.

<sup>41</sup> نگاه کنید به کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد (1) 10، (3) 14 و 17.

و امکانات لازم برای ارتباط و ملاقات با خانواده و دوستان خود را داشته باشد و تنها مشمول محدودیتها و نظارت‌هایی شود که برای اجرای عدالت، امنیت و نظم این نهاد ضروری است.<sup>42</sup>

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد مصرانه از دولت‌ها می‌خواهد دست به اقدامات لازم علیه این نوع حبس‌ها بزنند.<sup>43</sup> کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به کرات بر این موضع تأکید ورزیده و در سال 2005 خاطر نشان کرد "حبس‌های طولانی بدون تماس با دنیای خارج و حبس در اماکن سری ممکن است زمینه ساز شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های سبعانه و غیرانسانی شود و یا حتی خود شکلی از چنین اعمالی باشد."<sup>44</sup>

### ممانعتی از شکنجه و بدرفتاری وجود ندارد

قوانین ایران شکنجه و سایر برخوردهای غیرصحیح با کلیه بازداشت‌شدگان در هنگام بازجویی و یا در حبس را ممنوع کرده و استثنایی نیز برای بازداشتی‌های امنیتی و یا سایرین قائل نشده است. اصل 38 قانون اساسی ایران تأکید میکند که "همه اشکال شکنجه به منظور گرفتن اعتراف و یا اخذ اطلاعات ممنوع است. وادار کردن اشخاص به شهادت دادن، اعتراف کردن و سوگند خوردن مجاز نیست و هر گونه شهادت، اعتراف و سوگندی که تحت شرایط بغرنجی اخذ شده باشد فاقد ارزش و اعتبار است. ناقض این اصل مطابق قانون قابل مجازات است."<sup>45</sup>

در سال 2004 رئیس قوه قضائیه ایران آیت الله شاهرودی قانون حقوق شهروندی که حقوق محبوسین را روشن می‌کند و ممنوعیت‌های یاد شده را تکرار می‌کند ابلاغ کرد.<sup>46</sup> این قانون همچنین برخی اقدامات خاص از جمله استفاده از چشم بند در هنگام بازجویی، تحقیر بازداشت‌شدگان، بازجویی از محبوسین بصورتیکه فرد بازجو در پشت فرد بازداشت شده نشسته باشد و یا صورتش از دید پنهان باشد را ممنوع می‌کند. قانون حقوق شهروندی بر وظایف مسئولین نسبت به احترام به حقوق اولیه بازداشت‌شدگان در کلیه شرایط صرفنظر از علل دستگیری آنها تأکید دارد.

در قوانین بین‌المللی نیز آزار و بدرفتاری با بازداشت‌شدگان به منظور گرفتن اعتراف و یا بدون هیچ دلیلی نیز مطلقاً ممنوع شده است.

منع شکنجه و سایر انواع بدرفتاری با افراد بازداشت‌شده در کلیه میثاق‌های حقوق بین‌الملل منع شده و یکی از اصول بنیادین (هنجارهای قطعی) حقوق عرفی محسوب می‌شود. ماده هفتم کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی خاطر نشان می‌کند: "هیچ فردی نباید تحت شکنجه قرار گیرد و یا مشمول رفتار یا مجازات ظالمانه،

---

<sup>42</sup> قانون حداقل معیارهای رفتار با زندانیان، مصوب 30 اوت 1955 توسط اولین کنفرانس پیشگیری از جرائم و رفتار با مجرمین، سند سازمان ملل متحد، A/CONF/611, annex I، قطعنامه 663C E.S.C. at 11، 24 U.N. ESCOR Supp. (No. 1)، سند سازمان ملل متحد، E/3048 (1957)، قطعنامه اصلاحی 2076 E.S.C. at 35، 62 U.N. ESCOR Supp. (No. 1)، سند سازمان ملل متحد، E/5988 (1977)، قانون 92.

<sup>43</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره 20، پاراگراف 11.

<sup>44</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، قطعنامه 2005/39، پاراگراف نهم.

<sup>45</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب 24 اکتبر 1979، اصلاح شده در 28 ژوئیه 1989، اصل 38.

<sup>46</sup> قانون حقوق شهروندی، مصوب مجلس در 19 آوریل 2004، اصلاح و تصویب شده توسط مجلس در 21 آوریل 2004.

غیر انسانی و تحقیر کننده قرار گیرد. " ماده 10 تاکید می کند: " همه افرادی که از آزادی محروم شده اند باید مشمول رفتار انسانی شده و به شان ذات انسانی آنها احترام گذارده شود. "47 ماده 14 حافظ این حق است که فرد " وادار نشود علیه خود شهادت دهد و یا اعتراف به جرم کند. "48

منع شکنجه و سایر رفتارهای غیر انسانی در سایر اسناد بین المللی نظیر بیانیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازاتهای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز، مراقبت از کلیه افراد محبوس و زندانی و قانون سازمان ملل درباره حداقل معیارهای رفتار با زندانیان نیز مشاهده می شود.

دیده بان حقوق بشر در این گزارش بطور مستند به نقض مستمر قوانین ایران و نیز قوانین بین المللی در منع بدرفتاری با بازداشت شدگان در هنگام حبس و یا بازجویی در اماکنی نظیر بند 209 زندان اوین تهران پرداخته است. بر اساس اظهارات بازداشت شدگان که در اسناد عمومی منتشر شده و یا مستقیماً با دیده بان حقوق بشر در میان گذارده شده، مقام هایی که در وزارت اطلاعات مشغول به کار هستند، ممنوعیت های یاد شده در قانون اساسی ایران، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون حقوق شهروندی و نیز تعهدات ایران در قبال قوانین بین المللی را مورد بی اعتنائی و یا تمسخر قرار می دهند. مامورین وزارت اطلاعات بازداشت شدگان را در طی بازجویی هایی که اغلب در تمام ساعات روز و نیز بطور متمادی صورت می گیرد، چشم بسته نگه می دارند. این گزارش حاوی اسنادی است که نشان می دهد بازجویان و نگهبانان وزارت اطلاعات بازداشت شدگان را برای اخذ اعتراف های اجباری مورد ضرب و شتم و تحقیر قرار داده اند.

حکومت همچنین با محبوس کردن بازداشت شدگان امنیتی در سلولهای انفرادی برای مدت طولانی قوانین ایران و نیز قوانین بین المللی را زیر پا گذارده است. در طی دو سال گذشته حکومت ایران دانشجویان، فعالان حقوق زنان، روزنامه نگاران و پژوهشگران مستقل را گاهی تا بیش از 200 روز حبس کرده است. این اقدامات غیر انسانی بر روی بازداشت شدگان اثرات روانی وخیم و درازمدتی بر جای می گذارد.

قوانین سازمان زندان ها حداکثر اجازه 20 روز حبس انفرادی برای مجازات های تنبیهی را می دهد. 49 معیارهای کیفری بین المللی تاکید دارد که حبس های انفرادی باید تنها برای مدت کوتاه، بصورت فردی، تحت نظارت شدید (از جمله با حضور پزشک) و تنها بدلائل مشروع کیفری تنبیهی و یا برای پیشگیری های امنیتی صورت گیرد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد تاکید می کند " حبس فرد بازداشتی و یا زندانی بطور انفرادی و برای مدتی طولانی ممکن است رفتاری شکنجه آمیز، ظالمانه و غیر انسانی محسوب شود. "50

گروه کاری سازمان ملل در زمینه حبس های خودسرانه در گزارش سال 2004 خود درباره ایران می نویسد:

47 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل 10

48 کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل 14.

49 آیین نامه زندانهای ایران، سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور،

<http://www.prisons.ir/fa/PrisonsOrganNewFormualPart2.php#anchor01> (تاریخ دسترسی 21 سپتامبر 2007)، ماده 175.

50 کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، متن کلی 20، ماده 7، سند سازمان ملل متحد، HRI/GEN/1/Rev.1 at 30 (1994)، پاراگراف 6.

این گروه کاری در دیدار ناقص خود از بند 209 زندان اوین برای اولین بار از هنگام تاسیس خود با این پدیده مواجه شد که استراتژی استفاده وسیع از سلولهای انفرادی برای هدف های سنتی تنبیهی نیست، بلکه فعل آن همان غایت است. این مسئله تنها به چند سلول تنبیهی خلاصه نمی شود بلکه "زندانی در درون زندان" است و ویژه آزارهای سیستماتیک و وسیع برای دوره های زمانی بسیار طولانی است.

بنظر می رسد که این یک واقعیت تثبیت شده است که استفاده از این حبس ها امکان اخذ "اعتراف" و متعاقب آن "توبه های علنی" (در تلویزیون) را فراهم می کند. این نوع مدارک و شواهد علاوه بر ماهیت غیرانسانی، به وضوح غیرقابل پذیرش هستند.<sup>51</sup>

این گروه کاری افزود: "چنین سلولهای انفرادی مطلقاً در مدت طولانی رفتاری غیرانسانی به معنایی که در کنوانسیون منع شکنجه آمده است محسوب می شود."<sup>52</sup>

### اداره بازداشتگاه ها

بر اساس آیین نامه ملی زندانهای ایران، سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور ("سازمان زندانها") مسئول نظارت بر کلیه موسسات تربیتی و زندانهای ایران است. این سازمان نیز خود زیر نظر مستقیم قوه قضائیه است.<sup>53</sup>

قوه قضائیه ایران نهاد پیچیده ای است که اغلب منعکس کننده نبرد قدرت گروه های مختلف در درون حکومت است. بسیاری از فعالان و بازداشت شدگان سابق که برای این گزارش با دیده بان حقوق بشر مصاحبه شده اند، از تجربیات گوناگون خود با نظام قضائی گفته اند. آنها تشریح کرده اند که قوه قضائیه یکدست نیست، بلکه دارای بخش ها و مسئولینی است که ممکن است در تضاد با یکدیگر عمل کنند.

دیده بان حقوق بشر در گذشته گزارش های مستندی از نقض های حقوق بشر که از قوه قضائیه نشأت گرفته، تهیه کرده است. گرچه آیت الله شاهرودی رئیس کنونی قوه قضائیه اصلاحاتی صورت داده، اقدامات او به هدف خود نرسیده است. زیرا مقام هایی که به دستورات شاهرودی و قوانین ایران بی اعتنا هستند، به ندرت پاسخگوی اعمال خود هستند. برای نمونه با وجود آنکه آیت الله شاهرودی در سال 2002 دستور داد سنگسار کردن بعنوان یکی از اشکال مجازات لغو شود، مقام های دادگاه استان قزوین در ژوئیه سال 2007 مردی بنام جعفر کیانی را به جرم زنا سنگسار کردند.<sup>54</sup> همین بی اعتنایی و فقدان مسئولیت پذیری در مورد قانون حقوق شهروندی نیز که

<sup>51</sup> گزارش گروه کاری حبس های خودسرانه سازمان ملل متحد، *بازدید از جمهوری اسلامی ایران*، E/CN.4/2004/3/Add.2، پاراگراف 55، ص 15.

<sup>52</sup> گزارش گروه کاری حبس های خودسرانه سازمان ملل متحد، E/CN.4/2004/3/Add.2، پاراگراف 55، ص 16.

<sup>53</sup> وبسایت زندانهای ایران، سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، [www.prisons.ir](http://www.prisons.ir)، (تاریخ دسترسی 21 سپتامبر 2007).

<sup>54</sup> نگاه کنید به "ایران: از سنگسار مادر محکوم شده جلوگیری کنید"، دیده بان حقوق بشر، 11 ژوئیه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/07/11/iran16378.htm>.



شاهرودی در سال 2004 ابلاغ کرد، مشاهده می شود.<sup>55</sup> این گزارش حاوی موارد متعدد بی اعتنائی صریح مامورین وزارت اطلاعات به این قوانین است. در هیچ یک این موارد، مامورین از سوی قضات دادگاه ها و یا سایر مقام های قوه قضائیه پاسخگو و مسئول شناخته نشدند. (جزئیات قانون حقوق شهروندی در بخش سوم آمده است.)

ماده 24 آیین نامه زندانها تاکید می کند که "قوه قضائیه، مجریه، بخش های اطلاعات، پلیس و نظامی از داشتن بازداشتگاه های خود ممنوع هستند" و سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور موظف به نظارت بر کلیه زندانها و بازداشتگاهها است. با وجود این الزامات قانونی، دولت اداره تعداد غیرمشخصی از بازداشتگاه ها را که بیرون از نظارت سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور قرار دارند، بر عهده دارد.<sup>56</sup> این بازداشتگاه ها فاقد هر گونه مبنا و نظارت روشن قانونی است.

در میان بازداشتگاههایی که فاقد اعتبار قانونی هستند، بند 209 اوین از همه شناخته شده تر است. مجموعه زندان اوین در شمال تهران مستقر است و شامل بخش های مختلف است. این زندان علاوه بر بندهای مختلف، کارگاه های آموزشی، بخش های ورزشی که برای افرادی که در بندهای عمومی هستند قابل استفاده است، دارای ساختمانهایی است که کاملاً از بیرون از کنترل سازمان زندانهاست.<sup>57</sup> مسئولین قوه قضائیه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و وزارت اطلاعات از بند 209 برای حبس "زندانی های امنیتی" استفاده می کنند. بند 209 تنها بخش زندان اوین نیست که این وضعیت را دارد. بند 240 و 325 الف نیز جزء واحدهای بازداشت و بازجویی زندانیان امنیتی هستند که کاملاً ورای نظارت سازمان زندانها قرار دارند.<sup>58</sup> به گفته یکی از بازداشت شدگان سابق، بند 240 یک ساختمان چهار طبقه و شامل حدود 700 تا 800 سلول انفرادی است.<sup>59</sup> اکبر گنجی روزنامه نگار و فعال سیاسی سرشناس که در بند 240 حبس بود، می گوید حفاظت اطلاعات قوه قضائیه کنترل طبقه اول این ساختمان را در دست دارد و نیروهای امنیتی پلیس نیز گاهی از بخش های دیگر برای بازداشت و بازجویی "زندانی های امنیتی" استفاده می کند.<sup>60</sup>

---

<sup>55</sup> قانون حقوق شهروندی، مصوب مجلس در 19 آوریل 2004، اصلاح و تصویب شده توسط مجلس در 21 آوریل 2004.

<sup>56</sup> دیده بان حقوق بشر پیش تر در گزارشی در تاریخ ژوئن 2004 به تشریح زندان های غیرقانونی پرداخته است: "همچون مرده در تابوتهایشان: شکنجه، حبس و سرکوب نگراندیشی در ایران"، جلد 16، شماره 2(E)، ژوئن 2004، <http://hrw.org/reports/2004/iran0604/index.htm>

<sup>57</sup> همان. و نیز مصاحبه دیده بان حقوق بشر با علی افشاری بازداشتی سابق و فعال دانشجویی، 26 فوریه 2007.

<sup>58</sup> مصاحبه دیده بان حقوق بشر با علی افشاری، 26 فوریه 2007. زندانیان سابق می گویند علاوه بر علاوه بر واحدهایی که در داخل محوطه زندانها نظیر آنهایی که در داخل مجموعه اوین هستند، بازداشتگاه های دیگری نیز در سایر نقاط از جمله در پایگاه های ارتش و یا سپاه پاسداران وجود ندارند. زندان 59 که به عشرت آباد معروف است و در یکی از پادگان های سپاه پاسداران مستقر می باشد از جمله این بازداشت گاههاست. فریبا داوودی مهاجر که پیش تر در زندان 59 بازداشت بوده، اطلاعاتی در زمینه این زندان و تجربه حبس انفرادی خود گذارده است. مصاحبه دیده بان حقوق بشر با فریبا داوودی مهاجر، واشنگتن دی سی، 8 مارس 2007.

<sup>59</sup> مصاحبه دیده بان حقوق بشر با علی افشاری، 26 فوریه 2007.

<sup>60</sup> اکبر گنجی، "مانیفست جمهوریخواهی، فصل دوم، "تحریم انتخابات ریاست جمهوری، گامی بسوی دموکراسی و جامعه باز"، بر روی وبلاگ "گنجی را آزاد کنید" 30 ماه 2005، <http://freeganji.blogspot.com/2005/05/republican-manifesto-ii-preface.html>، (تاریخ دسترسی 16 ژوئیه 2007). برای اطلاعات بیشتر درباره نیروهای امنیتی قوه قضائیه رجوع کنید به: "همچون مرده در تابوتهایشان" ص 13-16.

وزارت اطلاعات و نیز نیروهای امنیتی پلیس قادرند بیرون از نظارت سازمان زندانها کنترل کامل همه ابعاد بازداشت از جمله تعداد و شیوه بازجویی و نیز دسترسی بازداشت شدگان به وکیل، تلفن و امکان ملاقاتشان را بر عهده داشته باشند. آنها همچنین می توانند در بعضی موارد وضعیت فرد بازداشت شده از جمله مرحله تحقیقات پیش از محاکمه را که او هنوز بطور رسمی متهم نشده، سری نگهدارند.

دیده بان حقوق بشر در دوران رئیس جمهور سابق، محمد خاتمی، گزارش های مستندی درباره اینکه چگونه وزارت اطلاعات با بکارگیری مامورین امنیتی و بازجویان از اتهام های مبهمی نظیر "اشاعه کذب"، "توهین به رهبر" و "تشویش اذهان عمومی" برای ارباب منتقدین استفاده کرد. مسئولین همچنین گاهی از اتهام های امنیتی برای دگراندیشی های مسالمت آمیز بخصوص علیه دانشجویان معترض در سالهای 1999 و 2003 استفاده کردند.<sup>61</sup> با این وجود دولت خاتمی اصلاحات قابل ملاحظه ای انجام داد. در سال 2001 مقام های مختلفی از جمله اعضای مجلس تلاش کردند تحقیقاتی در زمینه وجود بازداشتگاه های غیرقانونی انجام دهند. نمایندگان مجلس از مقام های وزارت اطلاعات خواستند به آنها اجازه دهند بازداشتگاه های غیرقانونی در اوین را مورد بازرسی قرار دهند. وزارت اطلاعات تنها امکان دسترسی محدودی به اوین را داد، اما به آنها اجازه نداد از بند 209 دیدن کنند و یا با افراد بازداشتی در این بند ملاقات کنند.<sup>62</sup>

با این وجود نمایندگان مجلس پس از بازرسی خود از حکومت خواستند بازداشتگاه های غیرقانونی در داخل اوین و در سایر نقاط شهر تهران را تعطیل کند.<sup>63</sup> اما به جز گزارشهای منتشره درباره تعطیلی زندان توحید که حکومت در آن تعدادی از فعالان مرتبط با تظاهرات دانشجویی ژوئیه 1999 را زندانی و شکنجه کرده بود، خواسته نمایندگان مجلس مورد بی اعتنائی حکومت قرار گرفت.<sup>64</sup> اما این تقاضاها برای شفافیت و مسئولیت پذیری گام های مهمی به سمت به رسمیت شناختن نقض حقوق بشر در بازداشتگاه های غیرقانونی ایران بود.

به نظر می رسد که دولت احمدی نژاد همه این دستاوردهای کوچک را منتفی کرده است. افزایش تعداد و نرخ افراد حبس شده در بازداشتگاه های غیرقانونی نشان می دهد که اینگونه اقدامات نه فقط کنار گذاشته نشده، بلکه حکومت بطور فزاینده ای از حبس های خودسرانه و بازجویی های آزاردهنده بعنوان یکی از شیوه های سرکوب وسیع فعالیت هایی استفاده می کند که انتقاد از نظام حاکم شناخته می شوند. علاوه بر این، علی اکبر موسوی خویننی نماینده مجلس که رهبری تقاضای بازدید و بستن بازداشتگاه های غیرقانونی را داشت، خود پس از آنکه در ژوئن 2006 به علت شرکت در تجمع اعتراض آمیز حقوق زنان (در ذیل آمده) دستگیر شد، به مدت 130 روز در بند 209 حبس شد. بخش قابل توجهی از این حبس بطور انفرادی سپری شد.<sup>65</sup>

---

<sup>61</sup> نگاه کنید به دیده بان حقوق بشر، : "همچون مرده در تابوتهایشان"، ص 27 و 40 و نیز "ایران تهدید به محاکمه در دادگاه های انقلاب برای "اغتشاش" می کند"، دیده بان حقوق بشر، 3 اوت 1999، <http://hrw.org/english/docs/1999/08/03/iran1021.htm>.

<sup>62</sup> مصاحبه دیده بان حقوق بشر با نماینده پیشین مجلس (نام محفوظ)، 12 فوریه 2007.

<sup>63</sup> همان، مصاحبه دیده بان حقوق بشر با نماینده پیشین مجلس (نام محفوظ)، 12 فوریه 2007.

<sup>64</sup> همان، و نیز دیده بان حقوق بشر، : "همچون مرده در تابوتهایشان"، ص 17.

<sup>65</sup> نگاه کنید به "حمله نیروهای پلیس به تظاهرکنندگان برای حقوق زنان"، دیده بان حقوق بشر، 15 ژوئن 2006، <http://hrw.org/english/docs/2006/06/15/iran13548.htm>.

اظهارات بازداشت شدگان سابق به دیده بان حقوق بشر حاکی از آن است که وزارت اطلاعات که اداره بند 209 زندان اوین را بر عهده دارد و مسئول همه بازداشت ها و بازجویی های انجام شده در آن است، هیچ توجهی به قوانین و تعهدات بین المللی ایران ندارد. اقدامات و اظهارات پرسنل وزارت اطلاعات (برخی از اقدامات آنها در بخش 5 آمده است) نشان می دهد که آنها خود را بالاتر از قانون می دانند و نه پاسخگوی قوانین کشور هستند و نه شهروندان.

#### 4. اهداف سرکوبهای فزاینده

وجه مشترک تجربیات همه بازداشت شدگان فعال در بخش های مختلف جامعه مدنی که ذکر آنها در این گزارش آمده، محرومیت از حق آزادی بیان، تجمع و تشکل است که به حبس های خودسرانه، خشونت در هنگام دستگیری، شکنجه و بدرفتاری در هنگام حبس و نیز پیگرد قانونی آنها انجامیده است. همگی مدتی را در بند 209 اوین به سر بردند. مشروح تجربیات همگی در بخش بعدی آمده است.

بیشتر افرادی که ذکر آنها در این گزارش آمده، دیگر در حبس نیستند. مسئولین دادگاه، بازداشت شدگان را با قرار وثیقه و بدون تعیین تاریخ دادگاه یا صدور احکام تعلیقی آزاد می کنند تا بتوانند آنها را تحت تهدید دایم دستگیری مجدد و یا تمدید حبس نگهدارند. این اقدامات که به فعالان اجازه می دهد در بیرون از زندان باشند، به حکومت وجهه ای ملایم می دهد. اما آزادی این افراد مشروط است و حکومت همیشه این گزینه را دارد که برای ساکت نگهداشتن فعالان، تاریخ محاکمه آنها را تعیین کند و یا احکام تعلیقی آنها را به اجرا گذارد.

#### جنبش زنان

در سالهای اخیر فعالان جنبش زنان در ایران جزء سازمان یافته شده ترین گروه هایی بوده اند که برای پیشبرد حقوق انسانی زنان، مردان و کودکان این کشور کوشش می کنند. طی دو سال گذشته فعالیت آنها عمدتاً در قالب پروژه های ملی نظیر "کمپین یک میلیون امضا" (پروژه آگاه کردن عموم از قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و تلاش برای تغییر این قوانین)<sup>66</sup>، "کمپین پایان همیشگی سنگسار" و نیز پروژه های محدودتر مثل مجاز کردن زنان به حضور در مسابقات ملی فوتبال بوده است. مسئولین حکومتی در دولت احمدی نژاد واکنش مناسبی به فعالان حقوق زنان نشان نداده اند و کمپین های خود را برای سکوت و ارباب حامیان این جنبش براه انداخته اند.

با وجود حمایت های قانون اساسی از حق تجمعات مسالمت آمیز، حکومت ایران به طرق مختلف از جمله عدم صدور مجوز لازم برای این تجمعات، تهدید سازمان دهندگان آنها، به هم ریختن تظاهرات و دستگیری شرکت کنندگان در آنها کوشش کرده است این فعالان را از حقوق خود محروم کند. یکی از فعالان حقوق زنان به دیده بان حقوق بشر گفت:

دریافت مجوز برگزاری تجمعات راه های قانونی دارد، اما این از این مجوز بطور دلبخواهی و خودسرانه استفاده می شود. گروه های محافظه کار که در جلوی سفارت خانه ها اجتماع می کنند، نیازی به مجوز ندارند و کسی نیز تجمع آنها را به هم نمی ریزد. اما گروه هایی که منتقد حکومت تشخیص داده می شوند، حتی وقتی مجوز هم دارند، تحت آزار و اذیت قرار می گیرند. آنها سازمان های غیردولتی (ان جی او) ما را می بندد، به ما مجوز برگزاری سمینار در اماکن عمومی را نمی دهند. گاهی آنها به ما اجازه برگزاری تجمعی را می دهند، اما در لحظه آخر آن

<sup>66</sup> وبسایت کمپین یک میلیون امضا برای تغییر، <http://www.wechange.info/> (تاریخ دسترسی 19 سپتامبر 2007).

را لغو می کنند. پیش از تجمعی که قرار بود در 12 ژوئن سال 2006 برگزار شود، مامورین وزارت اطلاعات تماس های تلفنی تهدید آمیزی با سازمان دهندگان این تجمع گرفتند و به مردم معمولی نیز با ارسال پیغام هایی به تلفن های همراهشان هشدار داده شد از شرکت در آن خودداری کنند. ما بیانیه های عمومی متعددی صادر کردیم تا تاکید کنیم این تجمع مسالمت آمیز است، اما در روز برگزاری، پلیس و نیروهای امنیتی حتی به مردم اجازه نمی دادند که در گروه های دو نفری و یا سه نفری کنار هم بایستند.<sup>67</sup>

موج سرکوب های عمده جنبش زنان از تابستان 2006 آغاز شد. تظاهرات 12 ژوئن که ذکر آن توسط یکی فعالان رفت، نقطه عطفی بود که جزئیات آن در پی می آید.

### تظاهرات 12 ژوئن 2006 و تبعات آن

ائتلاف وسیعی از فعالان دعوت به تجمع مسالمت آمیزی در روز 12 ژوئن در میدان هفتم تیر تهران کردند تا طی آن خواستار تغییر قوانین تبعیض آمیز علیه زنان شوند. تظاهرکنندگان که نتوانسته بودند مجوز لازم را کسب کنند، چنین استدلال کردند که حکومت بدلائل سیاسی از صدور مجوز خودداری کرده زیرا اصل 27 قانون اساسی حق آنها برای برگزاری تجمع های مسالمت آمیز را تضمین می کند.<sup>68</sup> در آن روز پلیس و نیروهای امنیتی پیش از شروع تظاهرات، برای جلوگیری از حضور شرکت کنندگان وارد میدان هفت تیر شدند و با استفاده از زور به متفرق کردن جمعیت پرداختند.<sup>69</sup> آسیه امینی روزنامه نگار و فعال حقوق زنان که در این تظاهرات شرکت کرد، در وبلاگ خود تشریح کرد که چگونه پلیس و مامورین امنیتی به تظاهرکنندگان حمله کردند:

گفتند بلند شوید. گفتیم کاری نمی کنیم! فقط نشسته ایم اینجا. گفتند بلندشوید! گفتیم نشستن در پارک جرم نیست! گفتند با زبان خوش می گوئیم بلند شوید! وگرنه... و فرصت گفت و گو تا همین حد بود. حرف مشترکی با هم نداشتیم و هر دو طرف این را خوب می دانست. زدند. یعنی که شوخی نداریم! و ما همچنان نشسته یا ایستاده گفتیم چرا؟! از پارک بیرونمان کردند. به ضرب و زور. راه رفتیم. آرام و مسالمت آمیز. دور پارک را. بیرونمان کردند. زدند هم. کسی داد زد: "من مادرتم، خجالت بکش!" جواب این بود: "من مادر پتیاره ای مثل تو ندارم!" و چنان هلس داد که صدای هوی جمعیت بلند شد. رفتیم. ما ابرزدند!- دور میدان. کاغذهایی را به دست گرفتیم که روی آن نوشته بود: "قوانین ضد زن را عوض کنید!" " ما حق یک انسان کامل را می خواهیم" و ... شروع کردیم به زمزمه که " ما زنیم، انسانیم، اما حقی نداریم!" و " ای زن ای حضور زندگی... " و این بار از هر طرف زدند. فقط مرد هم نبودند. زنهای چادری

<sup>67</sup> تماس اینترنیتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال حقوق زنان (نام محفوظ)، 14 اوت 2007.

<sup>68</sup> تماس اینترنیتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال حقوق زنان (نام محفوظ)، 30 اکتبر 2007.

<sup>69</sup> تماس اینترنیتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال حقوق زنان (نام محفوظ)، 14 اوت 2007.

که داد می زدند: با پلیس جر و بحث نکن! و کار که به جر و بحث می کشید، فحش و لگد بود که از زیر چادرها بیرون می ریخت!<sup>70</sup>

روز 14 ژوئن سخنگوی قوه قضائیه تایید کرد که مامورین امنیتی 42 زن و 28 مرد را به اتهام "شرکت در یک تجمع غیرقانونی" دستگیر کردند.<sup>71</sup> همه این افراد در بند 209 اوین حبس شدند. مسئولین همه این هفتاد نفری که دستگیر شده بودند را به جز یک نفر تا 18 ژوئیه آزاد کردند (علی اکبر موسوی خوئینی نماینده مجلس که پیش تر ذکر او رفت، تنها فرد زندانی بود که آزاد نشد. او 130 روز دیگر را در بند 209 اوین سپری کرد. بسیاری از دوران حبس او که تا اکتبر ادامه یافت در سلول انفرادی گذشت).<sup>72</sup> اما اتهام های بازداشت شدگان معلق باقی ماند و قوه قضائیه به پیگرد برخی از سازماندندگان این تظاهرات ادامه داد.

شعبه ششم دادگاه انقلاب 4 مارس 2007 را تاریخ محاکمه پنج تن از فعالان سرشناس حقوق زن که در برنامه ریزی این تظاهرات ایفای نقش کرده بودند، تعیین کرد. این پنج تن عبارت بودند از: نوشین احمدی خراسانی، پروین اردلان، شهلا انتصاری، فریبا داودی مهاجر و سوسن طهماسبی. در روز دادگاه یعنی 4 مارس طرفداران این زنان در بیرون از دادگاه تجمعی مسالمت آمیز در اعتراض به ادامه آزار فعالان برگزار کردند. نیروهای امنیتی بطور خشونت آمیزی این تجمع را به هم ریختند و 33 نفر از تظاهرکنندگان از جمله چهار زنی که برای دادگاه خود حاضر شده بودند را دستگیر و به بند 209 اوین منتقل کردند.<sup>73</sup>

مقامات همه این افراد را به جز دو زن، شادی صدر و محبوبه عباسقلی زاده، در روز 8 مارس آزاد کردند. اما دو تن یاد شده تا 19 مارس در بند 209 اوین باقی ماندند. آنها از ششم تا پانزدهم مارس را در سلولهای انفرادی گذراندند.<sup>74</sup> (مسئولین شهلا انتصاری را از روز اول دستگیری در 4 مارس در سلول انفرادی نگهداشتند).<sup>75</sup> همه این اشخاص با قرار وثیقه که معادل رقمی بین 50 هزار تا 200 هزار دلار آمریکا بود آزاد شدند.<sup>76</sup> دادگاه 4 مارس نیز لغو شد، اما همانطور که در بخش های بعدی این گزارش آمده، حکومت بسیاری از فعالان حقوق زنان را تحت پیگرد قانونی قرار داد و آنها را به جرایم امنیتی محکوم کرد.

---

<sup>70</sup> آسیه امینی، "صدای آزادی زنان خیلی نزدیک است"، وبلاگ وارش، <http://varesh.blogfa.com/post-213.aspx> (تاریخ دسترسی، 18 ژوئیه 2007).

<sup>71</sup> "حمله نیروهای پلیس به تظاهرکنندگان برای حقوق زنان"، دیده بان حقوق بشر، 15 ژوئن 2006، <http://hrw.org/english/docs/2006/06/15/iran13548.htm>.

<sup>72</sup> "موسوی خوئینی آزاد شد"، خبرگزاری دانشجویان ایران، 22 اکتبر 2006، (تاریخ دسترسی، 10 اوت 2007).

<sup>73</sup> "ایران: فعالان و مروجان حقوق زنان را آزاد کنید"، دیده بان حقوق بشر، 9 مارس 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/03/07/iran15452.htm>. فریبا داودی مهاجر یکی از این زنان بود که در زمان جلسه دادگاه در خارج از ایران بود.

<sup>74</sup> "شادی صدر و محبوبه عباسقلی زاده آزاد شدند"، میان، 19 مارس 2007، <http://www.meydaan.com/English/showarticle.aspx?arid=214&cid=52> (تاریخ دسترسی، 17 اوت 2007).

<sup>75</sup> "هشت زن آزاد شدند، 24 زن در اعتصاب غذا، یکی در سلول انفرادی"، میان، 6 مارس 2007، <http://www.meydaan.com/English/news.aspx?nid=211> (تاریخ دسترسی، 17 ژوئیه 2007).

محبوبه حسین زاده و ناهید کشاورز که جزء 33 نفر دستگیر شده در ماه مارس بودند، همراه با دو زن و یک مرد دیگر در هنگام جمع آوری امضا در پارک لاله برای کمپین "یک میلیون امضا" توسط مامورین امنیتی بازداشت شدند. بعد از حضور در یکی از شعبه های دادگاه انقلاب، مقامات آن سه تن را آزاد کردند، اما حسین زاده و کشاورز را به زندان اوین منتقل کردند. اما آنها را این بار نه به بند 209 بلکه به بند عمومی زنان بردند. اتهامهای نامعلوم این دو، به صدور حبس موقت آنها انجامید.<sup>77</sup> حسین زاده و کشاورز سیزده روز پس از دستگیری آزاد شدند.<sup>78</sup> اتهام های آنها احتمالا معلق باقی می ماند.

در سیزدهم آوریل، آسیه امینی، شهلا انتصاری، فریده انتصاری، ناهید انتصاری، رضوان مقدم و آزاده فرقانی احضار شدند. مسئولین از آنها درباره شرکتشان در تظاهرات مسالمت آمیز چهارم مارس در بیرون دادگاه بازجویی کردند. دادگاه آنها را متهم به "تجمع غیرقانونی برای اقدام علیه امنیت ملی"، "بی اطاعتی از پلیس" و "بر هم زدن نظم عمومی" کرد. آزاده فرقانی به دو سال حبس تعلیقی محکوم شد. شهلا انتصاری نیز به سه سال حبس محکوم شد که دو سال و نیم از آن برای پنج سال به حال تعلیق در آمد.<sup>79</sup>

در 17 آوریل، شعبه امنیت ویژه دفتر دادستان عمومی تهران احضاریه های دیگری برای سایر زنانی که در تجمع 4 مارس شرکت داشتند، فرستاد: پروین اردلان، نوشین احمدی، مریم میرزا، الناز انصاری، نسرين افصلی و زرا امجدیان.<sup>80</sup> در همان روز شعبه ششم دادگاه انقلاب احکام دو تن از زنانی که در تظاهرات 12 ژوئن 2006 در میدان هفتم تیر دستگیر شده بودند را صادر کرد: سوسن طهماسبی به دو سال زندان محکوم شد که یک سال و نیم آن تعلیقی بود. دادگاه فریبا داوودی مهاجر را نیز بطور غیابی به چهار سال زندان محکوم کرد که یک سال آن تعلیقی است.<sup>81</sup> مهاجر داوودی در هنگام تشکیل دادگاه برای دیدار با خانواده خود در آمریکا بسر می برد و پس از صدور حکم نیز همچنان در آمریکا مانده است.<sup>82</sup>

روز دوم ژوئیه دلارام علی دانشجوی 24 ساله جامعه شناسی و عضو کمپین "یک میلیون امضا" در واکنش به احضاریه خود به شعبه 15 دادگاه انقلاب، علت این احضار را جویا شد. ظاهرا دادگاه در پاسخ به این واکنش چالش

---

<sup>76</sup> "مصاحبه کوتاهی با پرستو دوکوهرکی پس از آزادی"، *میدان*، 7 مارس 2007، <http://www.meydaan.com/English/news.aspx?nid=229>، "200 هزار دلار وثیقه برای محبوبه عباسقلی زاده و شادی صدر"، *میدان*، 16 مارس، (تاریخ دسترسی هر دو، 17 ژوئیه 2007).

<sup>77</sup> "ایران: فعالان حقوق زنان را آزاد کنید"، دیده بان حقوق بشر، 7 آوریل 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/04/07/iran15668.htm>.

<sup>78</sup> "دو فعال زن ایرانی آزاد شدند؛ 11 نفر بقیه به دادگاه انقلاب احضار شدند"، وبسایت کمپین یک میلیون امضا برای تغییر، 18 آوریل 2007، <http://wechange.info/english/spip.php?article65> (تاریخ دسترسی، 10 اوت 2007).

<sup>79</sup> "حکم غیرقابل انتظار دلارام علی، مدافع حقوق زنان"، وبسایت کمپین یک میلیون امضا برای تغییر، 3 ژوئیه 2007، <http://weforchange.info/english/spip.php?article108> (تاریخ دسترسی، 10 ژوئیه 2007).

<sup>80</sup> "یازده فعال حقوق زنان به دادگاه احضار شدند"، *خبرنامه گویا*، 17 آوریل 2007، <https://khabar.gooya.com/politics/archives/2007/04/058901print.php> (تاریخ دسترسی، 19 آوریل 2007).

<sup>81</sup> "احکام سنگین برای فریبا داوودی مهاجر و سوسن طهماسبی"، *خبرگزاری کار ایران*، 18 آوریل 2007.

<sup>82</sup> مصاحبه دیده بان حقوق بشر با فریبا داوودی مهاجر، و اشنگتن دی سی، 8 مارس 2007.

انگیز، او را به دو سال و نیم زندان و ده ضربه شلاق برای شرکت در تجمع مسالمت آمیز 12 ژوئن محکوم کرد.<sup>83</sup> در 4 نوامبر، دادگاه تجدید نظر او را به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" مجرم شناخت و حکمش را تنها برای 4 ماه کاهش داد.<sup>84</sup>

## فعالان کارگری و اتحادیه ها

طی چند سال گذشته کارگران ایران با ایجاد اتحادیه های مستقل در صنایع مختلف سراسر کشور، سازمانهای کارگری تحت کنترل حکومت را به چالش طلبیده اند. ظهور و محبوبیت این اتحادیه های کارگری موجب نگرانی حکومت شده است. حکومت به جای پاسخ به نارضایتی های کارگران، کوشش کرده با دستگیری فعالان کارگری و به هم زدن تجمع های آنها جلوی این جنبش را بگیرد. وضعیت نابسامان اقتصاد داخلی و نیز تاثیرات آن بر حدود بیست میلیون نیروی کار قدرتمند در ایران موجب ادامه جذب کارگران به سازمانهای مستقل شده است. در واکنش به این شرایط، حکومت ایران آزار و دستگیری های خودسرانه افرادی که برای بهبود وضع کارگران دست به فعالیت زده اند را افزایش داده است. رهبران کارگری مستقل و کارگران معمولی در بند 209 اوین بازداشت شده اند. با این کارگران در بند یاد شده بعنوان زندانی های امنیتی برخورد شده و به آنها امکان داشتن وکیل و ملاقات با خانواده هایشان داده نمی شود. ادامه آزار منصور اسانلو یکی از رهبران اتحادیه های کارگری و سرکوب تظاهرات اعتراض آمیز معلمان در مارس 2007 در سراسر کشور شاخص افزایش آزار اتحادیه ها در دولت احمدی نژاد است. جزئیات هر دو مورد در ذیل آمده است.

## منصور اسانلو

منصور اسانلو ریاست هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی را که یک اتحادیه کارگری مستقل است بر عهده دارد. اولین دستگیری اسانلو در 22 دسامبر سال 2005 رخ داد. در آن زمان اسانلو و سندیکای شرکت واحد در اعتراض به شرایط کاری خود از رانندگان اتوبوس خواستند از مسافرین بلیط نپذیرند. در 22 دسامبر پلیس بدون هیچ حکمی وی را در منزلش دستگیر و به بند 209 اوین منتقل کرد.<sup>85</sup> کارکنان در اعتراض به ادامه حبس اسانلو در صدد اعتصاب در 28 ژانویه 2006 بودند. اما مامورین امنیتی به منظور جلوگیری از این اعتصاب پیشدستی کرده و صدها راننده و تعدادی از سازمان دهندگان این سندیکا را دستگیر کردند.<sup>86</sup> روز 26 ژانویه مامورین امنیتی و وزارت اطلاعات هیات رئیسه این سندیکا را نیز دستگیر کردند. همه آنها تا ماه مارس در بند 209 اوین نگهداشته شدند، اما پیرو ماده 32 قانون آیین دادرسی کیفری هرگز رسماً متهم نشدند. این ماده به مامورین امنیتی این امکان را می دهد که ناقضین قوانین امنیت ملی را برای انجام تحقیقات به مدت نامعلومی در

<sup>83</sup> "حکم غیر قابل انتظار دلارام علی، مدافع حقوق زنان"، وبسایت کمپین یک میلیون امضا برای تغییر، 3 ژوئیه 2007، <http://weforchange.info/english/spip.php?article108> (تاریخ دسترسی، 10 ژوئیه 2007).

<sup>84</sup> "دلارام علی شلاق می خورد و دو سال و شش ماه زندانی می شود"، کمپین یک میلیون امضا برای تغییر، 4 نوامبر 2007، <http://www.we4change.info/english/spip.php?article160>، (تاریخ دسترسی، 5 نوامبر 2007) و "شاهرودی می تواند حکم را لغو کند: مصاحبه با شیرین عبادی، وکیل دلارام علی"، روز آنلاین، 5 نوامبر 2007، [http://www.roozonline.com/archives/2007/11/post\\_4642.php](http://www.roozonline.com/archives/2007/11/post_4642.php) (تاریخ دسترسی، 5 نوامبر 2007).

<sup>85</sup> "ایران کارگران دستگیر شده برای اعتصاب را آزاد کنید"، دیده بان حقوق بشر، 1 فوریه 2006، <http://hrw.org/english/docs/2006/01/31/iran12581.htm>.

<sup>86</sup> همان.



حبس نگهدارند و هرگز به آنها امکان دسترسی به وکیل را ندهند.<sup>87</sup> اسانلو تا 6 اوت 2006 که رها شد، در بند 209 اوین باقی ماند.<sup>88</sup>

مسئولین مجدداً اسانلو را بدون ذکر هیچ اتهامی در 19 نوامبر 2006 دستگیر و تا 5 دسامبر در بند 209 اوین حبس کردند. او که اینبار سه هفته در بازداشت بود، 11 روز را در سلول انفرادی گذراند.<sup>89</sup>

پس از اولین دستگیری اسانلو در دسامبر 2005، مسئولین 150 هزار دلار وثیقه برایش تعیین کردند.<sup>90</sup> پس از دومین دستگیری، او مجبور به پرداخت 30 هزار دلار دیگر بعنوان وثیقه شد.

اسانلو در مصاحبه ای که پس از آدیش در دسامبر انجام داد، نحوه آزار و اذیتش توسط مامورین امنیتی را در هنگام دستگیری چنین تشریح کرد:

پس از دستگیری و هنگامیکه در ماشین افراد امنیتی بودم، چند ضربه به سر، صورت و بدنم زدند. آنها گردن مرا با دستمال فشار دادند تا جائیکه فکر کردم دارم خفه می شوم. فردی بنام (نام حذف شده است) که رئیس دستگاه امنیتی بخش مبارزه با مواد مخدر بود (من او را از روی کارت شناسائی که سال قبل دیده بودم شناختم) مسئول این عملیات علیه من بود. آنها کت مرا پاره کردند و به روی سرم کشیدند. بعد شروع کردند به کوبیدن به سرم با مشتهایی که انگشترهای بزرگ عقیق داشت. به من می گفتند: "کیفت را جمع کن و از اینجا برو." همه این ها برای این بود که من را آنقدر به ترس و هراس بیاندازند که از سندیکا استعفا دهم.<sup>91</sup>

در 10 ژوئیه سال 2007 مامورین لباس شخصی یکبار دیگر اسانلو را در حالی که در نزدیکی منزلش از اتوبوس پیاده می شد، مورد ضرب و شتم قرار دادند و دستگیر کردند.<sup>92</sup> پس از بازداشت اسانلو در ژوئیه 2007، حسن حداد معاون امنیتی دفتر دادستانی تهران دستگیری وی را به خاطر فعالیت های جنبش کارگری رد کرد و مدعی شد او به خاطر "توزیع اعلامیه علیه نظام" دستگیر شده است.<sup>93</sup>

<sup>87</sup> همان.

<sup>88</sup> "اسانلو با قرار وثیقه آزاد شد"، سرویس خبری بی بی سی فارسی، 9 اوت 2006، [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2006/08/060809\\_mv-osanloo.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2006/08/060809_mv-osanloo.shtml) (تاریخ دسترسی 18 ژوئیه 2007).

<sup>89</sup> همان.

<sup>90</sup> "اسانلو با قرار وثیقه آزاد شد"، سرویس خبری بی بی سی فارسی.

<sup>91</sup> "مصاحبه با منصور اسانلو، رئیس سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بزرگ"، بولتن کارگران ایران، آوریل 2007، <http://www.iran-bulletin.org/Labour/Interview%20with%20Mansur%20Osanlou.htm> (تاریخ دسترسی، 23 ژوئیه 2007).

<sup>92</sup> "اسانلو دستگیر شد"، روزنامه اعتماد ملی، 15 ژوئیه 2007، [www.roozna.com/Negararesh\\_site/FullyStory/?Id=41835](http://www.roozna.com/Negararesh_site/FullyStory/?Id=41835) (تاریخ دسترسی، 20 ژوئیه 2007).

<sup>93</sup> "اسانلو به "توزیع اعلامیه علیه نظام" متهم شده است"، سرویس خبری بی بی سی فارسی، 12 اوت 2007، [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/08/070812\\_ka-hddad.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/08/070812_ka-hddad.shtml) (تاریخ دسترسی، 13 اوت 2007).

در 30 اکتبر دادگاه تجدید نظر در تهران حکم شعبه 14 دادگاه انقلاب در 24 فوریه 2007 را که در آن اسانلو به جرم "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" به پنج سال حبس تعلیقی محکوم شده بود، تایید کرد.<sup>94</sup> بعد از حکم دادگاه تجدید نظر، اسانلو از بند 209 اوین که از هنگام دستگیری ژوئیه اش در آن بود به بندهای عمومی اوین منتقل شد.<sup>95</sup> وی همچنان در آنجا بسر می برد.

### اعتراض مارس 2007 معلمان

در ماه مارس، معلمان تظاهراتی در شهرهای مختلف ایران را برای برابری حقوق و مزایا با سایر مشاغل دولتی (نظام هماهنگ پرداخت) سازماندهی کردند. در 3 مارس 2007، معلمان در تهران تجمع مسالمت آمیزی در اعتراض به بی توجهی حکومت به حقوق و مزایای معلمان در مقابل مجلس برآه انداختند. این تظاهرات به مدت دو هفته ادامه یافت تا آنکه در 13 مارس پلیس ضد شورش و نیروهای امنیتی صدها تن از معلمان معترض را دستگیر کردند.<sup>96</sup> این دستگیری ها تا نیمه آوریل ادامه یافت.<sup>97</sup> ده ها تن از معلمان دستگیر شده در بند 209 اوین نگهداری شدند. بسیاری از آنها بدون محاکمه و بدون اتهام رسمی تا 60 روز در بند 209 اوین باقی ماندند.<sup>98</sup>

در 26 آوریل همسران چهارتن از معلمان زندانی شده علی اکبر باغانی، محمد تقی فلاحی، سید محمود باقری و علی صفر منتجبی طی یک نامه سرگشاده به رئیس قوه قضائیه ایران نسبت به نحوه برخورد با شوهرانشان و نقض حقوق انسانی آنها ابراز نگرانی کردند:

در آخرین روز سال 85 یکی از نمایندگان مجلس از قول شما نقل کرد که فرموده بودید شرکت در تجمعات قانونی و بیان خواسته های معلمان از حقوق ملت و مظاهر دموکراسی است. اما به رغم دستور شما برای آزادی معلمان، و نفر از آنها تعطیلات نوروزی را در زندان گذراندند و در کمال ناباوری موج جدید دستگیری معلمان در سال جدید هم ادامه یافت. ... حضرت آیت الله شاهرودی! ما شهروند این کشوریم، ما هم مسلمانیم. شوهران ما بعضا رزمندگان سالهای دفاع مقدس و جانباز انقلابند. همسران ما معلمند. ما از حضرتعالی تقاضا می کنیم دستور فرمایید حقوق قانونی آنها رعایت شود. همسران ما حق دارند وکیل داشته باشند. ما و فرزندانمان حق

---

<sup>94</sup> "محکومیت پنج ساله اسانلو در دادگاه تایید شد"، سرویس خبری بی بی سی فارسی، 30 اکتبر 2007، [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/10/071030\\_ka-osanlou.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/10/071030_ka-osanlou.shtml) (تاریخ دسترسی، 31 اکتبر 2007).

<sup>95</sup> همان.

<sup>96</sup> "ایران: معلمان بازداشتی را آزاد کنید"، دیده بان حقوق بشر، 14 آوریل 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/04/14/iran15693.htm>.

<sup>97</sup> "ایران: معلمان بازداشتی را آزاد کنید"، دیده بان حقوق بشر، 14 آوریل 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/04/14/iran15693.htm>.

<sup>98</sup> "برخی معلمینی که به خاطر فریاد عدالتخواهی هزینه پرداخت کرده اند"، وبسایت کانون صنفی معلمان ایران، 30 ژوئیه 2007، <http://ksmt3.blogfa.com/post-201.aspx> (تاریخ دسترسی، 31 ژوئیه 2007).

داریم از محل بازداشت و کیفیت نگهداری و اتهامات عزیزانمان با خبر باشیم. همسران ما حتی از حقوقی که زندانیان عادی از آن برخوردارند محرومند.<sup>99</sup>

مسئولین نهایتاً همه معلمان را با وثیقه هایی معادل 30 هزار دلار آمریکا آزاد کردند. این مبلغ برای معلمان که به حقوق و دستمزدهای خود معترض بودند، البته بسیار زیاد است.<sup>100</sup>

در ماه های ژوئن و ژوئیه شعب دادگاه های انقلاب در سراسر ایران معلمان معترض را به اتهام هایی همچون "بر هم زدن نظم عمومی" و "تجمع و سازماندهی برای اخلاص در امنیت ملی کشور" محکوم کردند.<sup>101</sup> در اوت، یک شعبه از دادگاه انقلاب در تهران علیرضا هاشمی، رئیس سازمان معلمان ایران را به اتهام "تحریک معلمان به تجمع و سازمان دهی برای اخلاص در امنیت ملی کشور" به سه سال حبس تعلیقی محکوم کرد.<sup>102</sup> حکومت همچنین سایر معلمان را با انتقال محل تدریس آنها به سایر شهرها و یا انفصال آنها از خدمت تنبیه کرد.<sup>103</sup>

## دانشجویان

دانشجویان، افراد تازه فارغ التحصیل شده، افراد مرتبط با دانشجویانی که بطور قانونی ثبت نام کرده اند و انجمن های فعال دانش آموختگان شاهد برخورد و حملات حکومتی مشابهی بوده اند که فعالان حقوق زن و کارگران تجربه کرده اند. دیده بان حقوق بشر با بررسی آزار دانشجویان از ژوئیه 2005، یکماه پیش از روی کار آمدن احمدی نژاد، گزارشی در اکتبر 2006 درباره 35 فعال دانشجویی تهیه کرد. قوه قضائیه این دانشجویان را به خاطر فعالیت های سیاسی که حکومت "اقدام علیه امنیت ملی" نامید، به زندان و یا پرداخت جریمه محکوم کرد.<sup>104</sup> دیده بان حقوق بشر همچنین گزارشی درباره آزار دانشجویان به اتهام های مشابهی پیش از دولت احمدی نژاد بخصوص پس از اعتراضات دانشجویی سال 1999 تهیه کرد.<sup>105</sup>

در 19 اوت 2006 مسئولین دو فردی که به تازگی از دانشگاه فارغ التحصیل شده بودند، بنام های ابوالفضل جهاندار و خیرالله درخشندی را دستگیر کردند.<sup>106</sup> حدود یکماه بعد در 18 سپتامبر مسئولین کیوان انصاری، فعال

---

<sup>99</sup> "دادخواهی خانواده معلمان زندانی از آقای شاهرودی: از وضعیت شوهران خود بی خبریم"، وبسایت کانون صنفی معلمان ایران، 27 آوریل 2007، <http://www.ksmi1.blogfa.com/post-137.aspx> (تاریخ دسترسی، 1 اوت 2007).

<sup>100</sup> "برخی معلمینی که به خاطر فریاد عدالتخواهی هزینه پرداخت کرده اند"، وبسایت کانون صنفی معلمان ایران، 30 ژوئیه 2007، <http://ksmt3.blogfa.com/post-201.aspx> (تاریخ دسترسی، 31 ژوئیه 2007).

<sup>101</sup> "آیا این احکام سبب می شود معلمان ایران از خواسته های خود دست بکشند"، وبسایت کانون صنفی معلمان ایران، 15 اوت 2007، <http://ksmt3.blogfa.com/post-219.aspx> (تاریخ دسترسی، 16 اوت 2007).

<sup>102</sup> همان.

<sup>103</sup> همان.

<sup>104</sup> دیده بان حقوق بشر، "ایران، محرومیت از حق تحصیل"، 19 اکتبر 2006، <http://www.hrw.org/backgrounder/mena/iran1006>.

<sup>105</sup> دیده بان حقوق بشر پیش تر در گزارشی در تاریخ ژوئن 2004 به تشریح زندان های غیرقانونی پرداخته است: "همچون مرده در تابوتهایشان: شکنجه، حبس و سرکوب نگراندیشی در ایران"، جلد 16، شماره (E)2، ژوئن 2004، ص 31-43، <http://hrw.org/reports/2004/iran0604/index.htm>.

<sup>106</sup> "ایران: حبس خودسرانه/هراس از فقدان امنیت/احتمال زندانی های عقیده"، عفو بین الملل، 3 اکتبر 2006، <http://web.amnesty.org/library/Index/ENGMDE131162006> (تاریخ دسترسی، 1 مارس 2007). عفو بین الملل در این گزارش همچنین

و استاد دانشگاه را در بیرون از منزلش دستگیر کردند.<sup>107</sup> مامورین وزارت اطلاعات همه آنها را بدون تفهیم اتهام در بند 209 اوین بازداشت و بازجویی کردند. در فوریه 2007 شعبه ششم دادگاه انقلاب هر یک از آنها را به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" و "توهین به مقامات" به دو تا سه سال زندان محکوم کرد. در 4 آوریل 2007 این سه نفر تقاضای تجدید نظر خود را به شعبه 32 دادگاه تجدید نظر فرستادند.<sup>108</sup> در 13 سپتامبر، دادگاه تجدید

دستور آزادی کیوان انصاری را صادر کرد، اما پرونده جهاندار و درخشندی همچنان در انتظار نتیجه است.<sup>109</sup> آزار و اذیت دانشجویان و فعالان مرتبط به دانشجویان را نیز نظیر آزار و اذیت کارگران و فعالان حقوق زنان در بهار و تابستان 2007 تشدید شد. از مه تا ژوئیه، مامورین وزارت اطلاعات بیش از 20 دانشجو و فعال را به اتهام نقض قوانین ملی از جمله "اقدام علیه امنیت ملی" و "توطئه علیه نظام" دستگیر کردند.<sup>110</sup>

آنها همچنین هشت سردبیر دانشجویی و فعال را به اتهام "توهین به رهبران کشور"، "تشویش اذهان عمومی" و "چاپ مطالب تحریک آمیز و موهن" در نشریات دانشجویی دانشگاه امیر کبیر دستگیر کردند.<sup>111</sup> ماده 514 قانون مجازات اسلامی شش ماه تا دو سال زندان برای هر کسی که به آیت الله خمینی و یا رهبر کنونی توهین کند، تعیین کرده است.<sup>112</sup> ماده 698 قانون مجازات اسلامی دو ماه تا دو سال زندان و یا 74 ضربه شلاق برای "چاپ اکاذیب برای تشویش اذهان عمومی" تعیین کرده است.<sup>113</sup> به گفته یکی از دانشجویان دانشگاه امیر کبیر که با دیده بان حقوق بشر صحبت کرده است، این دانشجویان بلافاصله اعلام کردند که هیچ نقشی در انتشار مطالب روز 30 آوریل نداشتند:

به محض آنکه این مطالب منتشر شد، سردبیران چهار نشریه ریوار، سرخط، سحر و آتیه اعلام کردند که آن نسخه ها جعلی بوده و هر گونه دخالت در تهیه آنها را تکذیب کردند. آنها به دفتر علیرضا رهایی رئیس دانشگاه رفتند و از او خواستار بررسی این ماجرا شدند. اما مامورین امنیتی دانشگاه به زور مانع از این شدند. در روزهای بعدی، دانشجویان با حضور در برخی تجمع ها ارتباط خود را با این مطالب منتشر شده تکذیب کردند.<sup>114</sup>

---

خاطر نشان می کند که مسئولین کیوان رفیعی، فعال مستقل حقوق بشر را در تاریخ 9 ژوئیه 2006 بدون هیچ اتهامی دستگیر و به زندان اوین منتقل کردند.

<sup>107</sup> همان.

<sup>108</sup> "پرونده های سه فعال دانشجو کیوان انصاری، سعید درخشندی و ابوالفضل جهاندار به دادگاه تجدید نظر فرستاده شد"، خبرنامه گویا، <http://1384.g00ya.com/politics/archives/2007/04/058887.php> (تاریخ دسترسی، 6 آوریل 2007).

<sup>109</sup> "دکتر کیوان انصاری آزاد شد"، *ادوار نیوز*، 13 سپتامبر 2007، <http://www.advarnews.us/university/5792.aspx> (تاریخ دسترسی، 14 سپتامبر 2007).

<sup>110</sup> "ایران: دانشجویان زندانی برای اخذ اعترافات اجباری تحت آزار و اذیت قرار گرفتند"، دیده بان حقوق بشر، 27 ژوئیه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/07/27/iran16512.htm>.

<sup>111</sup> همان.

<sup>112</sup> قانون مجازات اسلامی، ماده 514.

<sup>113</sup> قانون مجازات اسلامی، ماده 698.

<sup>114</sup> تماس ایمیلی دیده بان حقوق بشر با یک فعال دانشجویی (نام محفوظ)، 25 ژوئیه 2007.

حکومت حکم دستگیری و جلب آنها را صادر کرد.<sup>115</sup> سه تن از آنها، مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری تحت تعقیب قانونی قرار گرفتند (پنج نفر دیگر آزاد شدند)<sup>116</sup> و در روز 3 اکتبر 2007 شعبه ششم دادگاه انقلاب آنها را به ترتیب به سه سال، دو سال و نیم و دو سال زندان محکوم کرد.<sup>117</sup>

در 9 ژوئیه 2007، شش دانشجوی دانشگاه امیر کبیر به مناسبت سالگرد اعتراضات دانشجویی سال 1999 که توسط حکومت با خشونت سرکوب شد، دست به تحصنی مسالمت آمیز زدند.<sup>118</sup> آنها همچنین مخالفت خود را به ادامه بازداشت همکلاسی هایشان به اتهام انتشار مطالب تحریک آمیز ابراز کردند. بر اساس گزارش های فعالان، مامورین پلیس و لباس شخصی ها این تظاهرات را با خشونت به هم زدند و شش نفر را دستگیر و به بند 209 اوین منتقل کردند.<sup>119</sup>

این شش دانشجوی معترض عضو کمیته مرکزی دفتر تحکیم وحدت بودند که سازمان اصلی دانشجویان اصلاح طلب در ایران محسوب می شود.<sup>120</sup> چند ساعت پس از این دستگیریها، مامورین وارد دفتر سازمان دانش آموختگان ایران که وابسته به دفتر تحکیم وحدت است شدند. افراد لباس شخصی ابتدا چند تیر هوایی شلیک کردند و سپس وارد محل شده و 10 دانشجو و فعال را در آنجا دستگیر کردند.<sup>121</sup>

در ایران برخی منابع مرتبط با خانواده دانشجویان و فعالان بازداشتی روز 19 ژوئیه به دیده بان حقوق بشر گفته اند که وزارت اطلاعات آنها را در سلولهای انفرادی حبس کرده و فشار آورده که به اقداماتی که مرتکب نشده اند از جمله ارتباط با نیروهای خارج از کشور و برنامه ریزی برای انجام "انقلاب نرم" اعتراف کنند. این گزارشها حاکی از آن است که مسئولین ممکن است در صدد متهم کردن این بازداشتی ها به "جاسوسی" و "اقدام علیه امنیت کشور" باشند که زندان های طویل المدت در پی دارد. این موارد با نحوه آزار و اذیت سایر فعالان سیاسی و اجتماعی مستقل که حکومت آنها را منتقد می داند همخوانی دارد.<sup>122</sup>

---

<sup>115</sup> تماس اینترنتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال دانشجویی (نام محفوظ)، 17 اوت 2007.

<sup>116</sup> تماس اینترنتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال دانشجویی (نام محفوظ)، 17 اوت 2007 و نیز "نامه پنج دانشجوی آزاد شده پلی تکنیک به انجمن دفاع از حقوق زندانیان، کمیسیون حقوق بشر اسلامی و کانون مدافعان حقوق بشر"، *خبرنامه دانشگاه امیرکبیر*، 19 اوت 2007، <http://www.autnews.info/archives/1386,05,0004510> (تاریخ دسترسی، 20 اوت 2007).

<sup>117</sup> "صدور احکام سنگین زندان برای سه دانشجوی زندانی پلی تکنیک"، وبسایت *انوار تحکیم وحدت*، 3 اکتبر 2007، <http://www.advarnews.us/university/5907.aspx> (تاریخ دسترسی، 10 اکتبر 2007).

<sup>118</sup> تعطیلی یک روزنامه اصلاح طلب توسط قوه قضائیه ایران موجب اعتراضات دانشجویی در محوطه دانشگاه تهران در 8 ژوئیه 1999 شد (18 تیر در تقویم ایرانی). پس از یک تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویی، پلیس و نیروهای امنیتی لباس شخصی به یک خوابگاه حمله ور شده و دانشجویان را کتک زده و بسیاری را در اتاقهایشان محبوس کردند. این اعتراضات سپس به بیرون از دانشگاه کشیده شد و یک هفته بطول انجامید. بیش از 25 هزار نفر در این اعتراضات شرکت کردند که بزرگترین تظاهرات سیاسی از انقلاب اسلامی 1979 بود.

<sup>119</sup> "ایران: دانشجویان زندانی برای اخذ اعترافات اجباری تحت آزار و اذیت قرار گرفتند"، دیده بان حقوق بشر، 27 ژوئیه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/07/27/iran16512.htm>.

<sup>120</sup> تماس ایمیلی دیده بان حقوق بشر با یک فعال دانشجویی (نام محفوظ)، 25 ژوئیه 2007.

<sup>121</sup> همان.

<sup>122</sup> تماس ایمیلی دیده بان حقوق بشر با یک فعال دانشجویی (نام محفوظ)، 25 ژوئیه 2007.

حکومت به جز مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری که شرح پیگرد و احکامشان در بالا ذکر شد، سایر فعالان و دانشجویان دستگیر شده در مه و ژوئیه 2007 را آزاد کرده است.

### روزنامه نگاران، پژوهشگران و فعالان مستقل

بسیاری از افرادی که از هنگام آغاز به کار دولت احمدی نژاد دستگیر شده اند، با جنبش‌هایی نظیر گروه‌های دانشجویی، حقوق زنان و سازمان‌های مستقل کارگری مرتبط هستند. اما حکومت محققان، روزنامه نگاران و فعالان مستقلی که با این جنبش بطور مستقیم ارتباط ندارند را نیز بطور خودسرانه دستگیر و در بند 209 اوین بازداشت کرده است. حکومت به این افراد نیز اتهام‌های مشابهی نظیر "جاسوسی"، "ارتباط با خارجی‌ها"، "دریافت پول از خارجی‌ها" و "اقدام علیه امنیت ملی" زده است.

### آیت الله کاظمی بروجردی

مقام‌های حکومتی همچون روحانیون اسلامی که منتقد سیاست‌های دولت هستند را نیز هدف قرار داده اند. در 8 اکتبر 2006 مامورین آیت الله کاظمی بروجردی را در منزلش در تهران دستگیر کرده و به بند 209 اوین منتقل کردند.<sup>123</sup> بروجردی از نوعی تفسیر از اسلام حمایت می‌کند که خواهان جدایی دین از سیاست است.<sup>124</sup> دو روز پس از دستگیر بروجردی یعنی 10 اکتبر روزنامه نیمه دولتی کیهان مقاله‌ای تحت عنوان "تبلیغ برای اسلام به کمک بی بی سی و سیا" منتشر کرد و این روحانی را متهم کرد به عنوان عامل موسسات خارجی فعالیت می‌کند.<sup>125</sup> در ژوئن 2007 بروجردی در دادگاه ویژه روحانیت حاضر شد، اما مسئولین اتهام دقیق او و حکمش را روشن نکردند.<sup>126</sup> (آیت الله خمینی دادگاه ویژه روحانیت را در سال 1987 برای محاکمه روحانیون متهم به ارتکاب جرم ایجاد کرد.<sup>127</sup> این دادگاه‌ها زیر نظر مستقیم رهبر هستند، نه قوه قضائیه. به گفته منتقدین، حکومت از این دادگاه‌ها برای تنبیه روحانیونی که نظام حاکم را به چالش می‌طلبند استفاده می‌کند.<sup>128</sup>) بروجردی در بند 209 زندان اوین به سر می‌برد.<sup>129</sup>

### علی فرحبخش، هاله اسفندیاری و کیان تاجبخش

<sup>123</sup> "ایران روحانی جنجالی را دستگیر می‌کند"، بی بی سی نیوز آنلاین، 8 اکتبر 2006، [http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle\\_east/6032217.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/6032217.stm) (تاریخ دسترسی، 17 ژوئیه 2007).

<sup>124</sup> همان.

<sup>125</sup> "اطلاعات بیشتر درباره حبس خودسرانه/هراس از فقدان امنیت/احتمال زندانی‌های عقیده"، عفو بین الملل، 13 اکتبر 2006، <http://web.amnesty.org/library/index/ENGMDE131202006?open&of=ENG-IRN> (تاریخ دسترسی، 17 ژوئیه 2007).

<sup>126</sup> گلناز اسفندیاری، "ایران: گزارش‌های حکم اعدام موجب بروز نگرانی درباره سرنوشت آیت الله شده است"، رادیو آزاد اروپا، 3 ژوئیه 2007، <http://www.rferl.org/featuresarticle/2007/07/39ce027c-2184-46f9-992a-e751f500d35c.html> (تاریخ دسترسی، 18 ژوئیه 2007).

<sup>127</sup> ویلفرد بوکتا، چه کسی در ایران حکومت می‌کند: ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران (واشنگتن دی سی: موسسه سیاستگذاری خاور نزدیک در واشنگتن)، ص 19.

<sup>128</sup> همان، ص 97.

<sup>129</sup> تماس ایمیلی دیده بان حقوق بشر با یکی از پیروان آیت الله بروجردی (نام محفوظ)، 23 سپتامبر 2007.

پرونده های علی فرحبخش، روزنامه نگار و نیز هاله اسفندیاری و کیان تاجبش آمریکاییان ایرانی تبار نمونه های بارز روند حبس ها و بازجویی هایی است که در دولت دو ساله احمدی نژاد معمول شده است.

در 26 نوامبر 2006 مامورین امنیتی در تهران علی فرحبخش، روزنامه نگار و اقتصاددان را یک هفته پس از بازگشت از کنفرانس روزنامه نگاران در هند دستگیر کردند. فرحبخش که هیچ سابقه فعالیت سیاسی و اجتماعی ندارد، محقق مستقل امور اقتصادی است که پیش تر سردبیری بخش اقتصادی روزنامه سرمایه را بر عهده داشت.<sup>130</sup> این واقعیت که فرحبخش تا پیش از دستگیری درگیر هیچ فعالیت و یا نشر مطالب سیاسی نبود، وضعیت او را بطور ویژه ای معماگونه می کند.

فرحبخش یک هفته پیش از حبس تحت بازجویی های روزانه بود که تا اواخر شب بطول می انجامید و سپس مامورین او را به منزلش باز می گرداندند.

خانواده فرحبخش به دیده بان حقوق بشر گفتند که در اولین هفته بازجویی که ماموران وزارت اطلاعات به او اجازه می دادند شبها به منزل بازگردد، وی تحت فشار بود که به "جاسوسی" اعتراف کند تا آنها بتوانند او را متهم کنند.<sup>131</sup>

در طی دوران بازجویی و انتقال متعاقب فرحبخش به زندان اوین که 44 روز از آن در سلول انفرادی بند 209 گذشت، مسئولین هیچ اتهام رسمی علیه او طرح نکردند. خانواده فرحبخش در مصاحبه با مطبوعات و ارسال نامه های متعدد به آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه نسبت به وخامت وضعیت سلامت او و عدم وجود مراقبت های پزشکی لازم در زندان ابراز نگرانی کردند.<sup>132</sup> در 4 فوریه 2007 دو ماه پس از دستگیری فرحبخش، وکیلش، سید محمد علیزاده طباطبایی، به خبرگزاری کار ایران گفت دولت موکل او را به "جاسوسی" متهم کرده، اما به او اجازه نداده است که پرونده فرحبخش را بررسی کند. طباطبایی موکل خود را برای اولین بار در اولین روز دادگاه در ماه مارس ملاقات کرد.

در 26 مارس شعبه ششم دادگاه انقلاب فرحبخش را به اتهام "جاسوسی" و "دریافت پول از خارجی ها" به سه سال زندان محکوم کرد.<sup>133</sup> بنظر می رسد که اتهام ها او بر اساس ماده 508 قانون مجازات اسلامی مطرح شدند. این ماده خاطر نشان می کند "هر کسی که به هر نحوی با منابع خارجی مخاصم بر علیه جمهوری اسلامی ایران

---

<sup>130</sup> مصاحبه تلفنی دیده بان حقوق بشر با امید معماریان، روزنامه نگار. 20 فوریه 2007، و نیز "علی فرحبخش به سه سال زندان محکوم شد"، سرویس خبری بی بی سی، 15 مه 2007، [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/05/070515\\_ka-farahbakhsh.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/05/070515_ka-farahbakhsh.shtml) (تاریخ دسترسی، 18 ژوئیه 2007).

<sup>131</sup> "ایران: فعالان از سفر به خارج ممنوع شدند"، دیده بان حقوق بشر، 8 فوریه 2008، <http://hrw.org/english/docs/2007/02/08/iran15283.htm>.

<sup>132</sup> انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران، "دومین نامه خانواده فرحبخش به رئیس قوه قضائیه"، 15 مه 2007، <http://aoij.ir/000659.php> (تاریخ دسترسی، 17 ژوئن 2007).

<sup>133</sup> "علی فرحبخش به سه سال زندان محکوم شد"، سرویس خبری بی بی سی فارسی.

همکاری کند" ممکن است به یک تا ده سال زندان محکوم شود.<sup>134</sup> این قانون تعیین نمی کند که مشخصا چه اقداماتی همکاری علیه حکومت محسوب می شود.

پس از 318 روز زندان که 45 روز از آن در سلول انفرادی گذشت، مسئولین فرحبخش را در 26 سپتامبر آزاد کردند.<sup>135</sup>

هاله اسفندیاری شهروند ایرانی آمریکایی 67 ساله که مسئول برنامه خاورمیانه مرکز بین المللی وودرو ویلسون در واشنگتن دی سی است، در دسامبر 2006 برای دیدار از مادر 93 ساله بیمار خود به ایران سفر کرد. در روز 30 دسامبر پیش از آنکه او از ایران خارج شود، مردان مسلح و ماسک زده تاکسی او را نگهداشته و هر دو پاسپورت وی را گرفتند. مسئولین پاسپورتهای او را برنگردانده و در عوض او را تحت بازجویی های مکرر و طولانی قرار دادند.<sup>136</sup>

هشتم مه مقام های وزارت اطلاعات اسفندیاری را بدون هیچ حکمی دستگیر و سپس متهم به "پیشبرد منافع قدرتهای خارجی"، "جاسوسی"، "برنامه ریزی برای براندازی نرم حکومت" و "اقدام علیه امنیت ملی" کردند.<sup>137</sup> آنها او را به اوین منتقل کرده و در سلولی انفرادی در بند 209 بازداشت کردند و امکان ملاقات با وکیل و خانواده اش را نیز به وی ندادند.<sup>138</sup> پرونده اسفندیاری توجه وسیع رسانه های خارجی را به خود جلب کرد و سازمان های حقوق بشر در سراسر جهان به دستگیری او اعتراض کردند.<sup>139</sup> روز 21 اوت مسئولین او را با 300 هزار

---

<sup>134</sup> قانون مجازات اسلامی، ماده 508.

<sup>135</sup> "علی فرحبخش، روزنامه نگار، از زندان آزاد شد"، *خبرنامه گویا*، 27 سپتامبر 2007، <http://news.gooya.com/politics/archives/2007/10/063733.php> (تاریخ دسترسی، 27 سپتامبر 2007).

<sup>136</sup> "ایران: به آزار و اذیت افراد با تابعیت دوگانه پایان دهید"، دیده بان حقوق بشر، 31 مه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/05/31/iran16025.htm>.

<sup>137</sup> "ایران: "اعتراقات" تلویزیونی را لغو کنید"، دیده بان حقوق بشر، 18 ژوئیه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/07/18/iran16414.htm>.

<sup>138</sup> همان.

<sup>139</sup> دیده بان حقوق بشر، عفو بین الملل، کمیته دانشمندان نگران و نیز گروه زنان برنده جایزه نوبل از جمله سازمانهایی بودند که خواستار آزادی هاله اسفندیاری شدند. برای جزئیات بیشتر به وبسایت کمپین برای آزادی هاله اسفندیاری مراجعه کنید: <http://www.freehaleh.org> (تاریخ دسترسی 17 اوت 2007). یک گروه از زنان سناتور در آمریکا طی نامه از سازمان ملل متحد خواستار اعمال فشار بر ایران برای آزادی هاله اسفندیاری شدند. نگاه کنید به "زنان سناتور از سازمان ملل متحد خواسته اند برای رهایی فوری هاله اسفندیاری و پربناز عظیم بر ایران فشار گذارد"، وبسایت سناتور هیلاری رادهم کلینتون، 18 ماه 2007، <http://www.senate.gov/~clinton/news/statements/record.cfm?id=274751> (تاریخ دسترسی، 19 سپتامبر 2007). شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد خواست برای آزادی او تلاش کند. نگاه کنید به "عبادی درباره بازداشت فرد ایرانی-آمریکایی به سازمان ملل متحد شکایت کرد"، *آژانس فرانس پرس*، 6 اوت 2007، [http://ca.news.yahoo.com/s/afp/070806/world/iran\\_us\\_justice\\_rights\\_37](http://ca.news.yahoo.com/s/afp/070806/world/iran_us_justice_rights_37) (تاریخ دسترسی، 19 سپتامبر 2007).



دلار قرار وثیقه آزاد کردند.<sup>140</sup> دوم سپتامبر مامورین وزارت اطلاعات پاسپورت او را بازگرداندند و وی روز 7 سپتامبر به آمریکا بازگشت.<sup>141</sup> اما پرونده حکومت علیه اسفندیاری همچنان گشوده باقی مانده است.

بر اساس اظهارات خانواده اسفندیاری و نیز مسئولین مرکز وودرو ویلسون، بازجویان اسفندیاری او را برای پذیرش "فعالیت هایی که هیچ نقشی در آنها نداشته" تحت فشار گذارده بودند.<sup>142</sup> اسفندیاری از هنگام آزادی تاکنون هیچ اظهار نظری درباره آنچه بر او گذشته نکرده و تنها گفته است که تحمل سلول انفرادی برای فردی به سن و سال او دشوار بوده است.<sup>143</sup>

مامورین وزارت اطلاعات کیان تاجبخش را روز 11 مه 2007 در منزلش به همان اتهام های مشابه تحت قوانین امنیتی "پیشبرد منافع قدرتهای خارجی"، "جاسوسی"، "برنامه ریزی برای براندازی نرم حکومت" و "اقدام علیه امنیت ملی" دستگیر کردند.<sup>144</sup> توجه حکومت به تاجبخش ظاهراً به خاطر ارتباطات او با نهادهای خارجی از جمله بنیاد سوروس که وی برای آن بعنوان مشاور کار کرده بود، جلب شده بود. تاجبخش که محقق و کارشناس برنامه ریزی شهری بود، همچنین برای تعدادی از سازمان ها و وزارتخانه های ایران کار کرده بود.<sup>145</sup>

مامورین وزارت اطلاعات تاجبخش را در روز دستگیری به سلولی انفرادی در بند 209 اوین منتقل کردند.<sup>146</sup> آنها او را در 20 سپتامبر با 100 هزار دلار قرار وثیقه آزاد کردند.<sup>147</sup> اتهام های او همچنان حل نشده باقیست و وی در ایران است.

---

<sup>140</sup> "يك مقام مسول در دادسرای تهران: هاله اسفندیاری آزاد شد، احتمالاً قرار بازداشت کیان تاجبخش در چند روز آینده به وثیقه تبدیل می‌شود"، خبرگزاری دانشجویان ایران، 21 اوت 2007، <http://isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-983508>، (تاریخ دسترسی، 21 اوت 2007).

<sup>141</sup> رابین رایت، "محقق آزاد شده از ایران به خانواده اش می‌پیوندد"، *واشنگتن پست*، 7 سپتامبر 2007، <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2007/09/06/AR2007090602375.html> (تاریخ دسترسی، 19 سپتامبر 2007)؛ نازیلا فتحی، "محقق آزاد شده ایران را ترک می‌کند، فرد دیگر همچنان در بند است"، *نیویورک تایمز*، 3 سپتامبر 2007، <http://www.nytimes.com/2007/09/03/world/middleeast/03end-tehran.html> (تاریخ دسترسی، 19 سپتامبر 2007).

<sup>142</sup> "بیانیه دستگیری هاله اسفندیاری، مدیر برنامه خاورمیانه مرکز بین المللی وودرو ویلسون برای پژوهشگران"، 21 مه 2007، وبسایت مرکز بین المللی وودرو ویلسون برای پژوهشگران، [http://www.wilsoncenter.org/index.cfm?fuseaction=topics.item&news\\_id=236704&topic\\_id=1426May](http://www.wilsoncenter.org/index.cfm?fuseaction=topics.item&news_id=236704&topic_id=1426May) (تاریخ دسترسی، 21 مه 2007).

<sup>143</sup> "اسفندیاری: با من در زندان بدرفتاری نشد"، *سرویس خبری بی بی سی*، [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/09/070909\\_me\\_halehesfandiari\\_dc.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/09/070909_me_halehesfandiari_dc.shtml) (تاریخ دسترسی، 3 اکتبر 2007).

<sup>144</sup> "ایران: "اعترافات" تلویزیونی را لغو کنید"، دیده بان حقوق بشر، 18 ژوئیه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/07/18/iran16414.htm>.

<sup>145</sup> "سوروس به اتهام های دکتر کیان تاجبخش پاسخ می‌دهد"، وبسایت موسسه جامعه باز، 29 مه 2007، [http://www.soros.org/newsroom/news/response\\_20070529](http://www.soros.org/newsroom/news/response_20070529) (تاریخ دسترسی، 29 مه 2007).

<sup>146</sup> "ایران: یک محقق ایرانی-آمریکایی دیگر دستگیر شد"، دیده بان حقوق بشر، 24 مه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/05/24/iran15993.htm>.

<sup>147</sup> "ایران فرد ایرانی آمریکایی را از زندان آزاد می‌کند"، *بی بی سی نیوز آنلاین*، 20 سپتامبر 2007، [http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle\\_east/7004148.stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/7004148.stm) (تاریخ دسترسی، 20 سپتامبر 2007).

کانال اول تلویزیون ایران در 18 و 19 ژوئیه "اعترافات" اسفندیاری و تاجبخش را در برنامه ای تحت عنوان "به اسم دموکراسی" پخش کرد. اقدام حکومت در پخش این برنامه در شرایطی که این دو بدون تماس با دنیای بیرون در حبس بودند و تماسی با وکیل خود نداشتند، این نگرانی را بوجود آورد که حکومت ممکن است بعدها از این اظهارات علیه آنها استفاده کند.<sup>148</sup>

مسئولین یک ایرانی-آمریکایی دیگر بنام علی شاکری را که فعال صلح طلب بود، در 8 مه 2007 در حالی که ایران را ترک می کرد، دستگیر کردند.<sup>149</sup> حکومت در ابتدا دستگیری او را تکذیب کرد. سه هفته بعد در 29 مه علیرضا جمشیدی سخنگوی قوه قضائیه گفت: "شاکری در بازداشت نیست و هیچ اتهامی هم علیه او مطرح نیست."<sup>150</sup> در 10 ژوئن محمد علی حسینی سخنگوی وزارت خارجه ایران تایید کرد که قوه قضائیه شاکری را دستگیر کرده است، اما اتهام های او را ذکر نکرد.<sup>151</sup> 21 سپتامبر یعنی سه روز پس از آنکه علی شاکری آزاد شد، کاوه شاکری به دیده بان حقوق بشر گفت حکومت هیچ اتهامی علیه پدرش مطرح نکرده و حتی علت دستگیری او را توضیح نداده است.<sup>152</sup>

---

<sup>148</sup> "ایران: "اعترافات" تلویزیونی را لغو کنید"، دیده بان حقوق بشر، 18 ژوئیه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/07/18/iran16414.htm>.

<sup>149</sup> "ایران: یک محقق ایرانی-آمریکایی دیگر دستگیر شد"، دیده بان حقوق بشر، 24 مه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/05/24/iran15993.htm>.

<sup>150</sup> "ایران: به آزار و اذیت افراد با تابعیت دوگانه پایان دهید"، دیده بان حقوق بشر، 31 مه 2007، <http://hrw.org/english/docs/2007/05/31/iran16025.htm>.

<sup>151</sup> "تایید بازداشت علی شاکری توسط ایران"، سرویس خبری بی بی سی فارسی، 11 ژوئن 2007، [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/06/070610\\_an-shakeri.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2007/06/070610_an-shakeri.shtml) (تاریخ دسترسی، 13 ژوئیه 2007).

<sup>152</sup> مصاحبه تلفنی دیده بان حقوق بشر با کاوه شاکری، 21 سپتامبر 2007.

## 5. بدرفتاری با فعالان بازداشتی در بند 209 اوین

بازداشتی های "امنیتی" در بند 209 اوین اغلب با بدرفتاری در هنگام بازجویی و یا حبس مواجه می شوند. بازجویی های طولانی با چشم های بسته، بدون وکیل، بدون دسترسی به تلفن و یا امکان ملاقات با اعضای خانواده و حبس در سلولهای انفرادی جزء تجربیات معمول افراد بازداشتی است. وزارت اطلاعات در بعضی موارد از اشکال مختلف بدرفتاری های جسمی و روانی نظیر جلوگیری از خواب و تهدید افراد بازداشتی استفاده می کند.

### بدرفتاری در حین بازجویی

در 24 ژوئیه 2007 خانواده های چند دانشجوی بازداشتی بنام های مجید توکلی، احمد قصابان و احسان منصوری در نامه سرگشاده ای به آیت الله شاهرودی خاطرنشان کردند مسئولین زندان با بازداشتی های بند 209 اوین بدرفتاری های جسمی و روانی کرده و آنها را مجبور به اظهاراتی کرده اند که خود و سایر دانشجویان را گناهکار معرفی می کند. این خانواده ها بر اساس صحبت های خود با پسرانشان و نیز اظهارات پنج دانشجویی که در 18 ژوئیه با قرار وثیقه آزاد شدند، گفتند مسئولین فرزندان آنها را بطور 24 ساعته تحت بازجویی قرار دادند، از خواب محروم و تهدید کرده اند علیه آنها و یا خانواده هایشان دست به اقدامی بزنند. این خانواده ها همچنین گفتند مامورین امنیتی افراد بازداشتی را در سلولهایی با زندانی های خطرناک نگهداشتند، آنها را با کابل و مشت مورد ضرب و شتم قرار دادند و مجبور به ایستادن برای مدتی طولانی کردند.<sup>153</sup>

یکی از فعالان دانشجویی که در ژوئیه 2007 زندانی شد، برای دیده بان حقوق بشر تشریح کرد چگونه بازجویان با او و سایر دانشجویان برخورد کردند:

من هر روز مورد بازجویی قرار می گرفتم. من سه بازجو داشتم اما بقیه بازجوهای بیشتری داشتند. یکی از دوستان من همزمان توسط هفت نفر بازجویی می شد. در مورد من بعضی وقتها یک نفر بازجویی می کرد، گاهی دو نفر و گاهی هم هر سه می آمدند. هدف اصلی آنها این بود که مرا وادار کنند به چیزی اعتراف کنم که سنگین ترین محکومیت ها را در پی داشت. برای نمونه من یکبار با چند نفر دیگر در یک تجمع مسالمت آمیز شرکت کرده بودم و آنها سعی داشتند مرا وادار به این کنند که بگویم من با این کار "مخل نظم عمومی" بودم و به این ترتیب "امنیت ملی را به خطر" انداختم. آنها از همه نوع فشاری استفاده کردند که من و سایرین این چیزها را بگوییم. آنها با رکیک ترین الفاظ به ما و خانواده هایمان توهین کردند، یا آنکه ما را تهدید می کردند مورد ضرب و شتم قرار دهند و یا به درون سلول مجرمین خطرناکی مثل اعضای القاعده بیاندازند. آنها ما را تهدید به تجاوز با شیشه نوشابه و یا تخم مرغهای داغ می

<sup>153</sup> "رنجنامه خانواده احمد قصابان، مجید توکلی و احسان منصوری"، *خبرنامه دانشگاه امیرکبیر*، 11 ژوئیه 2007، <http://www.advarnews.us/university/5426.aspx> (تاریخ دسترسی، 24 اوت 2007) و تماس ایمیلی دیده بان حقوق بشر با یک فعال دانشجویی (نام محفوظ)، 25 ژوئیه 2007.

کردند. درباره عزیزانمان به ما اخبار دروغ می دادند و مدارک جعلی برای ترساندن ما می آوردند. به یکی گفتند که پدرش به خاطر او اخراج شده و به او نامه ای با سربرگ رسمی نشان دادند. یا آنکه می گفتند "مادرت در واحد مراقبت های ویژه بیمارستان و در حال مرگ است" و مدارک پزشکی تقلبی می آوردند. آنها به شیوه های مختلفی سعی کردند ما را تحقیر کنند. ما باید شلوارها و لباسهای زیرمان را در می آوردیم و روی زمین می گذاشتیم و بعد آنها به ما چیزهای جنسی تحقیر آمیزی می گفتند. فشارهای جسمی نیز وجود داشت. ما را برای هفت یا هشت ساعت بدون آنکه اجازه غذا خوردن و یا استفاده از دستشویی داشته باشیم مورد بازجویی قرار می دادند. وقتی هم که بازجویی نمی شدیم صداهای گوش خراش در سلولهای ما پخش می کردند.

ما را می زدند. روز اول آنچنان ضربه ای به پشت من زدند که در تمام مدتی که بازداشت بودم باید قرص مسکن قوی می خوردم. بعضی وقتها به من می گفتند حرکات تکراری بکنم و یا روی یک پا بایستم. اگر پایم را زمین می گذاشتم شلوار و لباس زیرم را پایین می کشیدند و اگر می خواستم شلوارم را بالا بکشم به صورتم لگد می زدند.<sup>154</sup>

ژیلا بنی یعقوب روزنامه نگار جزء 33 زنی بود که روز 4 مارس 2007 دستگیر شد. نوشته های او حاوی بازجویی هایی است که با او در بند 209 اوین شد:

بازجویی ها ساعت خاصی نداشت. از اول صبح شروع می شد و تا نیمه های شب و گاه حتی تا صبح روز بعد ادامه پیدا می کرد. روزهای نخست به بازجویی از دختران خیلی جوان اختصاص یافته بود و این ما را امیدوار می کرد که می خواهند آنها را زودتر آزاد کنند. اما یک امید واهی بود. کمتر کسی را در این چند روز آزاد کرده بودند. وقتی زندانبان در سلول را باز کرد و با صدای بلند نامم را صدا کرد، کاملاً خواب بودم. ظاهراً چندین بار صدایم زده و من نشنیده بودم. من که به خاطر سرمای زیاد سرم را زیر پتو برده بودم، حرکتی به خود دادم و پتو را کنار زدم. چشمهایم پر از خواب بود و باز نمی شد. به سختی به زندانبان زن نگاه کردم. گفت: "بلند شو. کارشناس منتظر است. باید بروی بازجویی." منظور از "کارشناس" همان بازجو بود اما بازجوهای بند امنیتی اوین به خودشان می گفتند کارشناس و همینطور زندانبان ها به آنها. عقربه های ساعت دوازده نیمه شب را نشان می داد. با خودم گفتم: "حالا بازجو نمی خواهد ما بخوابیم، خودش هم نمی خواهد بخوابد." زندانبان گفت: "چشم بند بزن." با چشم های نیمه باز یکی از چند چشم بندی را که گوشه سلول افتاده بود، برداشتم و توی دستم نگه داشتم تا موقع خروج از بند زنان، چشم هایم را با آن ببندم.<sup>155</sup>

<sup>154</sup> تماس اینترنتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال دانشجویی (نام محفوظ)، 17 اوت 2007.

<sup>155</sup> ژيلا بنی یعقوب، "در بند 209 اوین چه بر ما رفت (بخش دوم)"، خبرنامه گویا، 8 ژوئن 2007، <http://khabar.gooya.com/columnists/archives/2007/06/060217print.php> (تاریخ دسترسی، 8 ژوئن 2007).

بنی یعقوب در ادامه توضیح می دهد که چگونه در اولین جلسه بازجویی، بازجو به او گفت که کلیه "فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی" خود را بطور کامل در حالی که چشم بند داشت بنویسد. او می گوید هنگامیکه یادآور شد قانون حقوق شهروندی که توسط آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه ابلاغ شده، بازجویی از متهم بطور چشم بسته را ممنوع می کند، بازجو صحبت هایش را قطع کرد و گفت: "من می دانم که آقای شاهرودی چه گفته است. اما اینجا زندان وزارت اطلاعات است و قانون خاص خودش را دارد."<sup>156</sup>

یکی دیگر از فعالان حقوق زنان می گوید هنگام بازجویی، چشم بند داشت و صورتش رو به دیوار بوده است. او می گوید هر گاه که به این کار اعتراض می کرده، مورد تنبیه قرار می گرفته و برای امضای اعترافات دروغین زیر فشار بوده است:

بازجویی های من بین یک تا هفت ساعت طول می کشید. به بازجویی در نیمه شب اعتراض کردم اما بازجویم گفت: "من تنها برای این شبها تو را بازجویی می کنم که بتوانم زودتر بگذارم بروی." چشمانم بسته بود. او به من گفت که روی صندلی و رو به دیوار بنشینم. وقتی او اتاق را ترک کرد، من صندلی را برگردانم و چشم بندم را برداشتم. وقتی برگشت و مرا دید، خیلی عصبانی شد و سرم داد زد که چشم بندم را بگذارم و رویم را برگردانم. من نامه هایی در اعتراض به نحوه برخورد با ما نوشتم. بسیاری از زنان هم این کار را کردند. اما آنها به ما بی اعتنایی کردند. یکی از بازجویانم آنقدر از این کار عصبانی شد که کاغذ را پاره پاره کرد و روی سرم ریخت. برای چند روز اول ما نمی توانستیم تلفن بزنیم. وقتی به ما اجازه استفاده از تلفن داده شد، بازجویان سعی کردند که از آن بر علیه ما استفاده کنند. آنها ما را تهدید می کردند اگر چیزهایی که می خواستند نگوئیم، به دسترسی ما به تلفن پایان دهند. بعضی وقتها در وسط مکالمه تلفنی با اعضای خانواده ما خط را قطع می کردند.<sup>157</sup>

### حبس انفرادی

مامورین وزارت اطلاعات مسئول حبس و بازجویی از دانشجویان و فعالانی بودند که در مه و ژوئیه 2007 دستگیر شدند.<sup>158</sup> یکی از فعالان دانشجویی که در جریان این دستگیری ها در بند 209 اوین حبس و بازجویی شد به دیده بان حقوق بشر گفت:

آنها مرا از شب اول به سلول انفرادی بردند. این سلول 3 متر در 4 متر بود. فرش داشت با دستشویی و چراغی که همیشه روشن بود. یک پنجره کوچک هم داشت که همیشه باز بود. اما میله های آهنی جلوی آن بود و یک صفحه فلزی هم که سوراخ سوراخ بود، روی پنجره را پوشانده بود، بطوریکه خیلی اجازه نمی داد هوای تازه داخل شود. سلول من به خاطر این صفحه فلزی نور چندانی هم نداشت، اما حداقل می توانستم بفهمم شب است یا روز. این سلول

<sup>156</sup> همان.

<sup>157</sup> تماس اینترنتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال حقوق زنان (نام محفوظ)، 14 اوت 2007.

<sup>158</sup> تماس اینترنتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال حقوق زنان (نام محفوظ)، 17 اوت 2007.

تنها جایی بود که می توانستم در آن چشم بندم را باز کنم. من به نگهبانان وزارت اطلاعات اعتراض کردم و گفتم چشم بسته نگهداشتن من ناقض قانون شهروندی است. آنها یا به من اعتنایی می کردند و یا به مسخره ام می گرفتند. برای نمونه وقتی می خواستند مرا به بازجویی ببرند، چشم بند را می دادند و می گفتند: "بیا این نقض قانون حقوق شهروندی را بگذار." اگر می گفتم که باید قوانین بازداشتگاه ها را رعایت کنند، با تمسخر می گفتند: "اینجا بازداشتگاه نیست، برزخ است." من خواستار ملاقات با وکیل و یا تماس با وکیل شدم، اما تمام مدت بازداشت را در سلول انفرادی گذراندم، بدون آنکه بتوانم با کسی تماس بگیرم.<sup>159</sup>

نیروهای امنیتی حداقل هفت تن از معملین را که در تظاهرات مارس 2007 شرکت داشتند، برای 16 تا 60 روز در سلولهای انفرادی اوین حبس کردند.<sup>160</sup> محمد باقری، یکی از چهار نفری که همسرانشان نامه اعتراض آمیزی در واکنش به حبس آنها نوشتند، 33 روز در سلول انفرادی سپری کرد.<sup>161</sup>

همانطور که ذکر آن رفت، علی فرحبخش 45 روز از 318 روز بازداشت خود را در سلول انفرادی گذراند. کیان تاجبخش از هنگام دستگیری خود در 11 مه 2007 تا 20 سپتامبر 2007 که با قرار وثیقه آزاد شد، در سلول انفرادی بود. هاله اسفندیاری نیز برای چهار ماه بدون دسترسی به وکیل خود در سلول انفرادی بند 209 اوین بسر برد.

یکی فعالان زن که در 4 مارس دستگیر شد توضیح داد چطور پلیس و نیروهای امنیتی چشمان او و سایرین را هنگام ورود به بند 209 اوین بستند و چگونه یکی از فعالان حقوق زنان را که به این کار اعتراض کرد را به سلول انفرادی بردند:

پلیس و مامورین امنیتی ما را دستگیر کردند و به بازداشتگاه پلیس در خیابان وزرا بردند. آنها چند سوال از بعضی زنان پرسیدند و به ما گفتند که وسایل خود را جمع کنیم چون قرار بود آزاد شویم. ما همگی خوشحال شدیم و فکر کردیم که آزاد می شویم. اما بعد ما را بردند به اوین، مستقیم به بند 209. ما نمی دانستیم که به چه چیزی متهم می شویم و یا چه اتفاقی برای ما می افتد. نگهبانان هنگام ورود به 209 چشمان ما را بستند. تقریباً همگی به این کار اعتراض کردند اما آنها به ما بی اعتنایی کردند. من فکر می کنم برای آنکه ما را بترسانند، یکی از ما را همان موقع به سلول انفرادی بردند.<sup>162</sup>

<sup>159</sup> همان.

<sup>160</sup> "برخی معلمینی که به خاطر فریاد عدالتخواهی هزینه پرداخت کرده اند"، وبسایت کانون صنفی معلمان ایران، 30 ژوئیه 2007، <http://ksmt3.blogfa.com/post-201.aspx> (تاریخ دسترسی، 31 ژوئیه 2007).

<sup>161</sup> همان.

<sup>162</sup> تماس اینترنتی دیده بان حقوق بشر با یک فعال حقوق زنان (نام محفوظ) 15 اوت 2007

این فعال حقوق زنان تاکید کرد که در مقایسه با برخوردی که مامورین وزارت اطلاعات گفته می شود با دانشجویان و سایرین فعالان داشته اند، نحوه رفتار آنها به زنان بازداشتی نسبتاً بهتر بود.

## 6. سوء استفاده از تشدید تنش های ایران و آمریکا

حکومت ایران همواره قوانین امنیتی که امکان برداشت های متفاوتی از آن هست را برای متهم کردن فعالان جامعه مدنی به همکاری با قدرتهای خارجی بکار برده است. این حکومت مشخصاً از روابط خصمانه آمریکا و ایران بعنوان بهانه ای برای بیان مسالمت آمیز دگراندیشی و متهم کردن فعالان به دریافت پول از دولت آمریکا استفاده کرده است. برای نمونه پس از تظاهرات مسالمت آمیز دانشجویان در سال 1999، حکومت ایران "اعترافات" رهبران دانشجویان بازداشتی را از تلویزیون پخش کرد. آنها در این "اعترافات" ادعا می کردند "ما از آمریکا در سه یا چهار نوبت کمک های مالی برای سازماندهی جنبش های دانشجویی دریافت کردیم."<sup>163</sup>

دولت احمدی نژاد استفاده ویژه ای از اتهام های مبهمی نظیر "دریافت پول از خارجیان" کرده تا فعالان جامعه مدنی طیفهای مختلف را تحت آزار قرار دهد. همزمان با این شرایط، سیاست جورج بوش رئیس جمهور آمریکا برای "تغییر رژیم" در ایران مطرح شد که این به نوبه خود بازچه دست حکومت ایران شد. برای نمونه کاندولیزا رایس وزیر خارجه آمریکا در 14 فوریه 2006 از کمیته روابط خارجی سنای آمریکا خواست بودجه ترویج دموکراسی در ایران را به میزان قابل توجهی افزایش دهد و اعلام کرد "ایالات متحده فعالانه با سیاست های پرخاشگرانه ایران برخورد خواهد کرد. ما همزمان تلاش می کنیم از آرزوهای مردم ایران برای آزادی و دموکراسی در کشورشان حمایت کنیم."<sup>164</sup> حکومت ایران با کنار هم گذاردن حمایت آمریکا از دموکراسی در ایران و ابراز تمایل علنی این کشور به تقابل با حکومت ایران حربه ای برای متهم کردن فعالان مستقل جامعه مدنی ایران به همکاری با کشورهای خارجی ایجاد کرد.

فعالان برجسته ایران از اختصاص این بودجه توسط حکومت آمریکا انتقاد کردند و نسبت به تبعات منفی آن برای جامعه مدنی هشدار دادند. شیرین عبادی برنده جایزه نوبل و فعال حقوق بشر در ایران طی مقاله ای که در ماه مه در روزنامه اینترنشنال هرالد تریبیون منتشر شد دستگیری های اخیر در ایران را هم به سیاست های داخلی این کشور و هم به سیاست خارجی آمریکا نسبت داد:

دستگیری های اخیر از جمله حبس حسین موسویان، مذاکره کننده سابق هسته ای و مشاور نزدیک علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور اسبق و نامزد ریاست جمهوری بازنده در سال 2005 باید بعنوان اقدامات تلافی جویانه احمدی نژاد علیه گروه های میانه روتر نگرینسته

---

<sup>163</sup> "ایران تهدید به محاکمه در دادگاه های انقلاب برای "اغتشاش" می کند"، دیده بان حقوق بشر، 3 اوت 1999، <http://hrw.org/english/docs/1999/08/03/iran1021.htm>.

<sup>164</sup> "رایس به تغییر سیاست نسبت به ایران اشاره دارد"، بی بی سی نیوز آنلاین، <http://news.bbc.co.uk/2/hi/americas/4719890.stm>، تاریخ دسترسی، 19 سپتامبر 2007).



شود. اما دلیل مهمتر آن، سیاست جورج بوش در مقابل ایران است. سال گذشته دولت (بوش) از کنگره 75 میلیون دلار برای "استقرار دموکراسی در ایران" درخواست و دریافت کرد.<sup>165</sup>

عماد باقی فعال سرشناس حقوق بشر و اکبر گنجی دگراندیش سیاسی نیز از سیاست آمریکا انتقاد کرده اند.<sup>166</sup> گنجی طی نامه سرگشاده ای به بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد خاطر نشان کرد چگونه حکومت ایران برای تشدید سرکوب فعالان از کمک های مالی آمریکا به ایرانیان بهره برداری کرده است:

رژیم ایران با بهره برداری از خطر آمریکا نیروهای امنیتی-نظامی را به مناصب حکومتی گماشته، رسانه های مستقل داخلی را خاموش کرده و فعالان حقوق بشر را به این بهانه که همگی عوامل دشمنان خارجی هستند، به زندان انداخته است. دولت بوش با تصویب بودجه دموکراسی در ایران که در واقع عمدتاً صرف نهادهای رسمی و رسانه های وابسته به حکومت آمریکا می شود، شرایط آسانی برای رژیم ایران فراهم کرده که طی آن بتواند مخالفان خود را مزدوران آمریکا بخواند و آنها را فارغ از هر گونه تبعات قانونی سرکوب کند.<sup>167</sup>

---

<sup>165</sup> شیرین عبادی و محمد سهیمی، "تابخردی های سیاست بوش در قبال ایران"، اینترنشنال هرالڈ تریبون، 30 مه 2007، <http://www.iht.com/articles/2007/05/30/opinion/edebadi.php> (تاریخ دسترسی، 23 سپتامبر 2007).

<sup>166</sup> اسکات مکلود، "آیا آمریکا ایران را به سرکوب تحریک کرد"، *تایم*، 5 ژوئن 2007، <http://www.time.com/time/world/article/0,8599,1629590,00.html> (تاریخ دسترسی، 23 سپتامبر 2007) و اکبر گنجی، "آینده ایران: نامه سرگشاده"، *اوپن دموکراسی*، 24 سپتامبر 2007،

[http://www.opendemocracy.net/article/democracy\\_power/iran\\_democracy/akbar\\_ganji](http://www.opendemocracy.net/article/democracy_power/iran_democracy/akbar_ganji) (تاریخ دسترسی، 24 سپتامبر 2007).

<sup>167</sup> اکبر گنجی، "آینده ایران: نامه سرگشاده"، *اوپن دموکراسی*، 24 سپتامبر 2007، [http://www.opendemocracy.net/article/democracy\\_power/iran\\_democracy/akbar\\_ganji](http://www.opendemocracy.net/article/democracy_power/iran_democracy/akbar_ganji) (تاریخ دسترسی، 24 سپتامبر 2007).

## 7. توصیه ها

### توصیه ها به دولت ایران

#### دستگیری های خودسرانه و رفتار در زندان

- کلیه اشخاصی که به خاطر استفاده مسالمت آمیز از حق آزادی بیان، تجمع و تشکل از آزادی محروم شده اند رها شوند.
- اطمینان حاصل شود که کلیه اشخاصی که از آزادی محروم شده اند بتوانند با خانواده هایشان ملاقات کنند و محل و وضعیت حبسشان نیز به خانواده هایشان اطلاع داده شود.
- استفاده از حبس های انفرادی طولانی مدت لغو شد.
- کلیه شکایات مربوط به شکنجه و بدرفتاری به سرعت مورد تحقیق قرار گیرد و پاسخ داده شود.
- مقام های رده های مختلف وزارت اطلاعات ایران را که مسئول بدرفتاری با بازداشت شدگان بند 209 زندان اوین هستند تنبیه شوند و یا تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.
- بند 209 زندان اوین تحت نظارت سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور قرار گیرد و یا بسته شود.

#### اصلاحات قانونی

- قوانین مبهم امنیتی که تحت عنوان " جرایم ضد امنیت ملی و جراحی کشور " ("قوانین امنیتی") همراه با سایر قوانینی که در چهارچوب قانون مجازات اسلامی به حکومت اجازه می دهد در تناقض با تعهدات بین المللی خود بطور خودسرانه به سرکوب و تنبیه اشخاصی پردازد که بطور مسالمت آمیز اظهار نظر سیاسی کرده اند را اصلاح و یا لغو کند. مفاد این قوانین شامل این موارد است:
  - ماده 498 قوانین ملی که ایجاد هر گروهی که با هدف " بر هم زدن امنیت ملی " صورت گیرد را جرم محسوب می کند.<sup>168</sup>
  - ماده 500 که برای هر فردی هر فردی که "به هر نحوی بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران تبلیغ کند و یا به نفع گروه و یا نهادهای مخالف نظام تبلیغ کند" را محکوم به سه ماه تا یکسال زندان می کند.
  - ماده 610 که هر نوع "تجمع و یا توطئه علیه امنیت داخلی و خارجی ملت" را جرم دانسته و افراد خاطی را به دو تا پنج سال زندان محکوم می کند.<sup>169</sup>

<sup>168</sup> قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب 9 مه، ماده 498.

<sup>169</sup> همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب 9 مه، ماده 610.

- ماده 618 "اخلال در نظم و آسایش عمومی و ویا ممانعت از کار مردم" را جرم می داند و برای آن سه ماه تا یکسال زندان و حداکثر 74 ضربه شلاق در نظر گرفته است.<sup>170</sup>
- ماده 513 قانون مجازات اسلامی هر نوع "توهین" به هر یک "مقدسات اسلامی" یا چهره های مقدس در اسلام را جرم می داند و مجرمین را به یک تا پنج سال زندان و در بعضی موارد به مرگ محکوم می کند.
- ماده 514 که هر نوع "توهین" به نخستین رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله خمینی و یا رهبر کنونی را جرم تلقی می کند و شش ماه تا دو سال زندان در پی دارد.
- "امنیت ملی" و نقض آن به نحو کاملاً روشن و مشخصی که تخلف از قوانین تضمین شده بین المللی در زمینه آزادی بیان، تجمع و تشکل نباشد تعریف شود.
- قوانینی که "توهین" به چهره های دینی و رهبران حکومت را جرم تلقی می کند از قانون مجازات اسلامی بیرون آورده شود.
- مفاد قانون آئین دادرسی کیفری که اجازه می دهد حق داشتن وکیل در مرحله تحقیقات پیش از محاکمه لغو شود، تغییر داده شود. حکومت باید حقوق بازداشت شدگان امنیتی را برای ملاقات با وکیل قانونی در سراسر دوران حبس و محاکمه تضمین کند.
- گام هایی برای حمایت از قانون حقوق شهروندی در بازداشتگاه های ایران برداشته شود. این قانون در سال 2004 توسط آیت الله شاهرودی رئیس قوه قضائیه بکار گرفته شده است. بر خلاف سایر قوانین که مشمول ملاحظات امنیتی می شود، قانون حقوق شهروندی باید تحت هر شرایطی به اجرا گذارده شود.

#### توصیه به حکومت ایالات متحده

- دیده بان حقوق بشر همچنین از دولت آمریکا می خواهد با گروه های جامعه مدنی ایران برای حمایت از پروژه هایی که به اعتقاد آنها دستاویز آسانی به حکومت ایران برای سرکوب فعالیت‌هایشان نمی دهد ارتباط برقرار کند.

<sup>170</sup> همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنج، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، مصوب 9 مه، ماده 618.

## سپاسگزارى

پژوهش و نگارش این گزارش توسط یکی از محققین بخش خاورمیانه و شمال آفریقای دیده بان حقوق بشر انجام شده است. سارا لی ویتسون مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقا مطالب مطرح شده در این گزارش را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده است. این گزارش همچنین توسط جیمز راس مدیر حقوقی و سیاستگذاری دیده بان حقوق بشر و یان گروین کارشناس ارشد این سازمان بازبینی شده است. هادی قائمی پژوهشگر پیشین امور ایران و امارات متحده عربی در دیده بان حقوق بشر نظرات اندیشمندانه ای برای نسخه های اولیه این گزارش ارائه کرد. آصف اشرف دستیار ارشد بخش خاورمیانه و شمال آفریقا این گزارش را برای انتشار مهیا نمود. گریس چوی و فیتزروی هیکینز در تهیه این گزارش همیاری کردند.

دیده بان حقوق بشر مایل است از همه افرادی که در داخل و خارج از ایران موافقت کردند برای این گزارش مورد مصاحبه قرار گیرند، تشکر کند. تهیه این گزارش بدون کمک های آنها امکان پذیر نبود.

دیده بان حقوق بشر عمیقاً از "بنیاد نیومنز اون" به خاطر حمایت از فعالیت های ما در مورد ایران سپاسگزار است.